

مواضع و واکنش

سازمان ملل متحد در دو جنگ

“ایران و عراق” و “امریکا و عراق”

مرتضی شیرودی^(۱)

مقدمه

خلیج فارس، دو جنگ، یکی در آغاز دهه ۸۰ (جنگ اول خلیج فارس = جنگ عراق علیه ایران) و دیگری در اوایل دهه ۹۰ (جنگ دوم خلیج فارس = حمله عراق به کویت و رفع اشغال آن به دست امریکا و متحدانش) را شاهد بوده است. در این دو جنگ، سازمان ملل متحد به دلیل اینکه اساسی ترین وظیفه مهم ترین رکن آن، یعنی شورای امنیت، پاسداری و تأمین صلح در جهان است، به ایفای نقش پرداخته و به نظر برخی، هیچ تفاوت ماهوی، در مواضع سازمان ملل متحد، در قبال دو جنگ خلیج فارس وجود ندارد، بلکه آنچه به طولانی شدن جنگ عراق علیه ایران و پایان سریع حمله عراق به کویت انجامید، به شرایط جهانی و دو طرف درگیری مربوط می شود. اثبات درستی این سخن را مجال و مقال دیگری می طلبد که پیش از آن، اثبات تفاوت در مواضع این سازمان در برابر پدیده واحدی، یعنی جنگ و تجاوز، ضرورت اجتناب ناپذیری است. بنابراین، پرسشی که این مقاله بر پایه آن شکل گرفته، این است که آیا بین مواضع سازمان ملل متحد در قبال دو جنگ خلیج فارس، تفاوتی دیده می شود؟ البته، فرضیه ما این است که احتمالاً، تفاوت‌های چشم گیری بین مواضع و استراتژی سازمان ملل متحد در جنگ‌های عراق با ایران و عراق با کویت و امریکا وجود دارد! مقاله حاضر می کوشد، به این پرسش پاسخ دهد و درستی فرضیه مزبور را بیازماید.

برای یافتن پاسخ پرسش اصلی مقاله و فرضیه ارائه شده، بخش‌های زیر را در مقاله حاضر مرور می کنیم. نخست، استراتژی شورای امنیت سازمان ملل متحد در جنگ تحمیلی و جنگ نفت در ابعاد کمی و کیفی، زمانی و مکانی، سیاسی و حقوقی مقایسه می شود. عرصه این مقایسه تطبیقی را قطعنامه‌ها، بیانه‌ها و دیگر اقدامات شورای امنیت تشکیل می دهد. توجه به شورای امنیت در نخستین گام این مقایسه از آن روست که اصلی ترین وظیفه این مهم ترین رکن سازمان ملل متحد، فراهم آوردن صلح و حفظ آن در جهان است. پس از آن، همین شیوه درباره اقدامات دبیرکل در جنگ‌های خلیج فارس هم، صورت می گیرد، البته، بر پایه منشور و اساسنامه ملل متحد، دبیرکل، تنها مجری مصوبات شورای امنیت است، اما گاه، شخصیت حقیقی دبیرکل بر شخصیت حقوقی اش برتری می یابد؛ بنابراین، گستره اقدامات وی از اقدامات سازمانی و اداری فراتر می رود؛ پدیده‌ای که در دو جنگ خلیج فارس بارها روی داد. سرانجام، استراتژی مجمع عمومی در آخرین مرحله و پایانی ترین گام مقایسه، بررسی خواهد شد. از آن نظر که مجمع برخلاف شورا، مکانی است که تمامی کشورهای جهان در آن عضو هستند و بدین دلیل، سخن و تصمیم آن، باید سخن و تصمیم تمامی دولتها و ملتهای جهان باشد، هر چند گاه، این مجمع جهانی هم تحت تأثیر فشارها و فضا سازیهای کاذب، تصمیمهای ناصوابی را اتخاذ کرده است.

(۱) کارشناس ارشد علوم سیاسی



شورای امنیت از آغاز جنگ هشت ساله ایران و عراق، تا زمان پذیرش قطعنامه از سوی ایران در مجموع، نه قطعنامه، یعنی به طور متوسط، برای هر سال یک قطعنامه صادر و در مورد جنگ هفت ماهه خلیج فارس، دوازده قطعنامه، یعنی به طور متوسط، هر ماه دو قطعنامه تصویب کرد

الف) تطبیق استراتژی سازمان ملل متحد در دو جنگ خلیج فارس

سازمان ملل متحد بر اساس تصمیم‌های مختلفی که در دو جنگ خلیج فارس گرفت، یکی را از طریق رایزنی و دیپلماسی و دیگری را با توسل به زور پایان داد. همین امر مؤید تفاوت‌های برخورد سازمان ملل متحد در قبال دو جنگی است که از ابعاد مختلفی (مانند وقوع در یک منطقه، اقدام علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی یک دولت مستقل) به هم شبیه هستند. مهم‌ترین علت این تفاوت برخورد را باید در متجاوز شناختن عراق در حمله به کویت و متجاوز شناختن عراق در حمله به ایران جستجو کرد.

۱) بررسی تطبیقی استراتژی شورای امنیت در دو جنگ مقایسه کمی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در دو جنگ خلیج فارس، تفاوت‌های زیر را نشان می‌دهد:

۱-۱) شورای امنیت از آغاز جنگ هشت ساله ایران و عراق، تا زمان پذیرش قطعنامه از سوی ایران (۱۷ ماه ژوئیه سال ۱۹۸۸) مقارن با ۲۶ تیر ماه سال (۱۳۷۶) در مجموع، نه قطعنامه، یعنی به طور متوسط، برای هر سال یک قطعنامه صادر و در مورد جنگ هفت ماهه خلیج فارس، دوازده قطعنامه، یعنی به طور متوسط، هر ماه دو قطعنامه^(۱) تصویب کرد. افزون بر آن، بیش از هجده بیانیه برای جنگ ایران و عراق و کمتر از سه بیانیه درباره جنگ خلیج فارس داشت.

۱-۲) شماره قطعنامه‌های صادر شده در جنگ ایران و عراق، با فاصله زیاد از هم تکرار شده است، به گونه‌ای که نزدیک‌ترین فاصله دو قطعنامه، شش قطعنامه (فاصله قطعنامه‌های ۵۸۲ و

۵۸۸) و بیشترین فاصله دو قطعنامه، ۳۵ قطعنامه (فاصله قطعنامه‌های ۵۱۴ و ۵۷۰) است. در حالی که نزدیک‌ترین و دورترین فاصله دو قطعنامه در مورد جنگ خلیج فارس به ترتیب، به یک و چهار قطعنامه (مقایسه فاصله قطعنامه ۶۶۰ با ۶۶۱^(۲) و با ۶۷۰ با ۶۷۴) می‌رسد.

۱-۳) بیشترین فاصله زمانی قطعنامه‌های صادر شده در جنگ ایران و عراق، ۶۶۵ روز است (فاصله قطعنامه ۴۷۹ مصوب ۶ مهر ماه و قطعنامه ۵۱۴ مصوب ۲۱ تیر ماه سال ۱۳۶۱) و کمترین فاصله زمانی آن، ۸۱ روز است (فاصله بین قطعنامه ۵۱۴ مصوب ۲۱ تیر ماه سال ۱۳۶۱ و قطعنامه ۵۲۲ مصوب ۱۲ مهر ماه سال ۱۳۶۱). اما کمترین و بیشترین فاصله زمانی قطعنامه‌های صادر شده در مورد جنگ خلیج فارس، به یک روز (فاصله قطعنامه ۶۶۹ مصوب ۱ مهر ماه سال ۱۳۶۹ و قطعنامه ۶۷۰ مصوب ۲ مهر ماه سال ۱۳۶۹)^(۳) و ۳۵ روز (فاصله قطعنامه ۶۷۰ مصوب ۲ مهر ماه سال ۱۳۶۹ و قطعنامه ۶۷۴ مصوب ۱۷ آبان ماه سال ۱۳۶۹) می‌رسد.

۱-۴) قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد جنگ خلیج فارس، چهارصد سطر و چهار هزار واژه را در بر می‌گیرد؛ رقمی که در مورد جنگ ایران و عراق، به ۲۷۰ خط و سه هزار واژه می‌رسد. بر این اساس، کوتاه‌ترین و بلندترین قطعنامه در جنگ ایران و عراق به ترتیب، قطعنامه‌های ۶۱۲ و ۵۹۸ و در مورد جنگ خلیج فارس به ترتیب، قطعنامه‌های ۶۶۱ و ۶۷۴ است.

۱-۵) در مجموع، قطعنامه‌های صادر شده درباره جنگ خلیج فارس به ترتیب، به هشت ماده ۳۹، ۴۰، ۵۱، ۲۵، ۵۰، ۲، ۴۸، ۱۰۲ منشور ملل متحد به تعداد سیزده بار و نیز به فصل

(۱) به طور دقیق‌تر، ۱/۸ قطعنامه برای هر سال در جنگ ایران و عراق و ۱/۷ قطعنامه برای هر ماه در مورد جنگ خلیج فارس.

(۲) افزون بر آن، قطعنامه‌های دیگری به فاصله یک روز از هم تکرار شده است، مانند قطعنامه‌های ۶۶۱ با ۶۶۲ و ...

(۳) قطعنامه ۶۷۸ مصوب ۸ آذر ۱۳۶۹ به فاصله یک روز از قطعنامه ۶۷۷ به تصویب رسیده است.

تعلل شورای امنیت در پایان بخشیدن به جنگ عراق علیه ایران با تعجیل این شورا در پایان دادن به تجاوز عراق به کویت، از اراده ضعیف آن برای حل و فصل تجاوز عراق علیه ایران ناشی می‌شد

آخرین ماده فصل هفتم، یعنی ماده ۵۱ منشور ملل متحد هم اشاره نکرد.^(۱) با این اقدام، حتی حق طبیعی ایران، برای دفاع مشروع را نیز به رسمیت نشناخت. شورای امنیت، تنها در قطعنامه ۵۹۸ به مواد ۳۹ و ۴۰ از فصل هفتم منشور ملل متحد، آن هم بدون نام بردن از این فصل، اشاره و بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد، نقض صلح را در جنگ ایران و عراق تأیید کرد، اما به وظایف دیگرش در همین مواد که از مهم ترین آن تشخیص وقوع تجاوز است، توجهی مبذول نکرد.

۱-۷) افزون بر آن، شورای امنیت پنج ماده از هشت ماده منشور ملل متحد را که در قطعنامه هایش در جنگ خلیج فارس مورد استناد قرار داده، از فصل هفتم منشور ملل متحد برگزید، یعنی به مواد ۲، ۲۵ و ۱۰۳ منشور ملل متحد اشاره کرد که بر تعهد اعضای سازمان ملل متحد به ترتیب ذیل ناظر است: حل اختلافان از طریق مسالمت آمیز و عدم توسل به تهدید یا استعمال قوه قهریه بر ضد تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی، موافقت اعضای سازمان ملل متحد برای اجرای تصمیمهای شورا طبق منشور ملل متحد، اولویت تعهدات اعضا طبق منشور ملل متحد به تصمیمهای شورا، در مقایسه با تعهدات مشابه منطقه‌ای.

اما در قطعنامه های صادر شده شورای امنیت در جنگ ایران و عراق، به ماده ۲ و ۲۴ منشور ملل متحد اشاره شد.^(۲) ماده ۲۴ منشور ملل متحد مبتنی بر اعطای مسئولیت اصلی نگهداری صلح و امنیت بین المللی به شورای امنیت است. در حالی که هیچ یک از دو کشور ایران و عراق، هیچ گاه چنین

هفتم منشور ملل متحد در قطعنامه های ۶۶۱، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۷۴ و ۶۷۸ به تعداد نه بار اشاره شده، در حالی که در قطعنامه های شورای امنیت در مورد جنگ عراق علیه ایران، صرفاً و به ترتیب، به مواد ۲، ۲۴، ۳۹ و ۴۰ به تعداد پنج بار، بدون یادآوری فصل هفتم منشور ملل متحد استناد شده است. افزون بر تفاوت های کمی مزبور، تفاوت های ماهوی زیر نیز در مقایسه با قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد در دو جنگ خلیج فارس دیده می شود:

۱-۶) همان طور که پیش از این، بدان اشاره شد، در مجموعه قطعنامه های صادره شورای امنیت در مورد جنگ خلیج فارس (قطعنامه ۶۶۱، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۷۴ و ۶۷۷) نه بار به فصل هفتم منشور ملل متحد استناد شده است. فصل هفتم درباره اقداماتی است که شورای امنیت در موارد وقوع تهدید علیه صلح یا بر هم خوردن آن و تجاوز، انجام داده است. در پی این تشخیص، شورای امنیت بر اساس مواد ۳۹ تا ۵۱ فصل هفتم منشور ملل متحد، توصیه و اقدامات غیر نظامی و در صورت غیر مؤثر بودن آنها، اقدامات نظامی را به کمک تمامی اعضا یا تعدادی از اعضای سازمان ملل متحد به منظور حفظ صلح یا اعاده آن انجام می دهد. در نتیجه، شورای امنیت با استناد به فصل هفتم از منشور ملل متحد، عراق را متجاوز شناخت و نخست، اقدامات موقتی و سپس، قهری را برای استقرار صلح به دست تعدادی از اعضای سازمان ملل متحد، اجرا کرد. این در حالی است که این شورا، نه تنها در بیشتر قطعنامه هایش در جنگ ایران و عراق، به فصل هفتم، بلکه به

(۱) ماده ۵۱ منشور ملل متحد: «در صورتی که یک عضو ملل متحد مورد تجاوز مسلحانه واقع شود، هیچ یک از مقررات این منشور به حق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی تا موقعی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین المللی به عمل آورد، لطمه وارد نخواهد آورد. اقداماتی را که اعضا برای اجرای حق دفاع مشروع به عمل می آورند، باید فوراً به شورای امنیت اطلاع دهند، اما این اقدامات به هیچ وجه، در اختیارات و وظایفی که شورا طبق این منشور دارد و طبق آنها در هر زمانی، روشی را که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی لازم می داند، می تواند اتخاذ کند، تأثیری نخواهد داشت».

(۲) ماده ۲ منشور ملل متحد، چون پیش از این آمده، دیگر تکرار نشده است.



- عدم شناسایی الحاق و انضمام کویت به عراق (قطعه‌نامه ۶۶۲).
- اعزام نیروی دریایی به منطقه خلیج فارس (قطعه‌نامه ۶۶۵).
- لغو قراردادها و نیز لغو امتیازات و پروانه صادر شده به عراق (قطعه‌نامه ۶۷۰).

- ارائه اطلاعات لازم در برآورد خساراتی که در جریان بحران به کشورشان وارد آمده است (قطعه‌نامه ۶۷۴).

مهم تر از همه، به دولتهای عضو که با دولت کویت همکاری داشتند، اجازه داد برای وادار کردن عراق به ترک خاک کویت از تمامی وسایل ممکن استفاده کنند. حتی در مواردی، شورای امنیت تهدید کرد، چنانچه از درخواستهایش تخلف شود، تدابیری را برای جلوگیری از تکرار چنین تخلفاتی اتخاذ خواهد کرد.^(۱) با این مقایسه، به نظر می رسد، تعلل شورای امنیت در پایان بخشیدن به جنگ عراق علیه ایران با تعجیل این شورا در پایان دادن به تجاوز عراق به کویت، از اراده ضعیف آن برای حل و فصل تجاوز عراق علیه ایران ناشی می شد. افزون بر آن، خویشن داری کشورها در مورد پرهیز از اقداماتی که به تشدید و گسترش جنگ ایران و عراق منجر نشود، به صورت کامل، به ویژه از سوی اعضای دائم شورای امنیت، که از حامیان سیاسی و تأمین کنندگان سلاحهای مورد نیاز عراق بودند،^(۲) رعایت نشد. با این وصف، شورای امنیت در مورد متخلفانی که خویشنداری را در جنگ ایران و عراق رعایت نمی کردند، نه به طور شفاهی و نه عملی، اقداماتی تنبیهی را انجام نداد.

۱-۹) به استثنای قطعه‌نامه های ۵۲۲، ۵۴۰، ۵۵۲ و ۶۱۲، در دیگر قطعه‌نامه های شورای امنیت، صرف نظر از تغییرات جزئی، به

وظیفه ای رانفی نکردند، بلکه ایران شورا را به دلیل جانبداری از عراق، فاقد صلاحیت لازم برای نگهداری از صلح و امنیت بین المللی می دانست. ادعای ایران با توجه به شواهد موجود در قطعه‌نامه های صادر شده شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق قابل تأیید است. برای نمونه، هرچند شورای امنیت به صورت تلویحی یا مستقیم، وضعیت بین ایران و عراق را دلیل به خطر افتادن صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی دانست؛ مطلبی که در قطعه‌نامه ۵۹۸ با ذکر اینکه در مخاصمه بین ایران و عراق نقض صلح حاصل شده، به صراحت بر آن تأکید شد، اما این شورا هرگز اقدامی برای تعیین و تنبیه متجاوز انجام نداد.

۸-۱) در تمامی قطعه‌نامه های شورا در جریان جنگ عراق علیه ایران، درخواست از همه کشورهای برای به کار بردن حداکثر خویشن داری به منظور خودداری از هرگونه اقدامی که به تشدید یا گسترش منازعه و وضعیت منجر می شود، به دلیل تسهیل اجرای قطعه‌نامه ها، با تفاوت اندکی تکرار شد. در حالی که چنین درخواستی، نه تنها در هیچ یک از قطعه‌نامه های مربوط به جنگ خلیج فارس صورت نگرفت، بلکه در بیشتر این قطعه‌نامه ها، از کشورها خواسته شده است با انجام اقدامات پیشنهادی شورای امنیت، روند اجرای قطعه‌نامه ها را تسهیل کنند، مهم ترین این درخواستها عبارت اند از:

- رعایت تحریمهای مالی، اقتصادی، دریایی و هوایی علیه عراق.

- ارائه اطلاعات مورد نیاز شورای امنیت برای اتخاذ تدابیر لازم (قطعه‌نامه ۶۶۱).

(۱) برای نمونه، به ماده ۱۲ قطعه‌نامه ۶۷۰ می توان اشاره کرد. این ماده عبارت است از: [شورای امنیت] تصمیم دارد از هم اکنون، در صورت تخلف یک دولت و انباشت یا از طریق خاک آن کشور نسبت به مقررات قطعه‌نامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) یا قطعه‌نامه حاضر تدابیری را برای جلوگیری از تکرار چنین تخلفاتی در نظر گیرد.

(۲) در این مورد در بخشهای بعدی سخن خواهیم گفت.

صراحت، تعهدی را که دولتهای عضو طبق منشور ملل متحد، به حل اختلافشان از طریق راههای مسالمت آمیز دارند، به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به مخاطره نیفتد، یادآوری شد و شورا فقط در چهار قطعنامه ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۸۲ و ۵۹۸ به عقب نشینی نیروهای نظامی به مرزهای شناخته شده بین المللی، اشاره کرد. در حالی که توسل به روشهای مسالمت آمیز حل اختلافات بدون عقب نشینی نیروهای نظامی به مرزهای شناخته شده، ناممکن بود^۱ و نیز ظاهراً، شورای امنیت با یادآوری تعهد دولتها در عدم توسل به کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی، آن طور که در قطعنامه های ۴۷۹، ۵۱۴، ۵۵۲ و ۵۸۸ بدان اشاره شد، می خواسته است که بدون توجه عمیق به ریشه های آغاز و تداوم جنگ ایران و عراق، آن را پایان بخشد. این مطلب در



جنگ خلیج فارس به صورت دیگری روی داد. شورای امنیت در قطعنامه های ۶۶۰، ۶۷۰ و ۶۷۴، عراق و کویت را به مذاکره برای حل اختلافاتشان متعهد و از حسن نیت دبیرکل در دستیابی به راه حل مسالمت آمیزی براساس قطعنامه های شورای امنیت و نه مطابق منشور ملل متحد، ابراز خشنودی کرد. همچنین، هدف جامعه بین المللی را مبنی بر حفظ صلح و امنیت بین المللی از طریق حل مسالمت آمیز اختلافاتشان، یادآور شد، در حالی که این تأکیدات برخلاف بیشتر قطعنامه های صادر شده در جنگ ایران و عراق، بادرخواست مستقیم و غیر مستقیم^(۱) عقب نشینی فوری و بدون قید و شرط همراه بود.

۱-۱۰) نخستین قطعنامه شورای امنیت در جنگ ایران و عراق

(قطعنامه ۴۷۹)، فقط در دو قطعنامه بعدی (قطعنامه ۵۱۴ و ۵۲۲) مورد تأکید قرار گرفت و در قطعنامه های ۵۴۰ و ۵۵۲ تنها به گزارش دبیرکل در مورد نتیجه بازرسی هیئت بازرسی اعزامی سازمان ملل متحد از حملات نظامی به مناطق غیرنظامی ایران و عراق و نامه ۲۱ ماه مه سال ۱۹۸۴ (۱ بهمن ماه سال ۱۳۶۳) شورای همکاری خلیج فارس در مورد شکایت از ایران درباره حملات به کشتیهای بازرگانی در مسیر بندرهای کویت و عربستان سعودی اشاره شد، اما در قطعنامه ۵۸۲، به هیچ یک از قطعنامه ها و بیانه های گذشته شورای امنیت یا گزارشهای دبیرکل اشاره ای نشد و در قطعنامه های ۵۸۸ و ۵۹۸، تنها قطعنامه ۵۸۲ مورد اشاره قرار گرفت؛ موضوعی که نشان دهنده تزلزل شورای امنیت در نحوه پایان بخشیدن به تجاوز عراق علیه ایران بود؛ زیرا، این شورا شیوه ای را برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق دنبال نکرد. به همین دلیل، از قطعنامه ۵۸۲ به بعد، به قطعنامه های گذشته خود هیچ گونه اشاره ای نکرد. این به معنای کنار گذاشتن شیوه برخورد گذشته بود، اما در هشت قطعنامه شورای امنیت به قطعنامه ۶۶۰ و ۶۶۱، که درباره عقب نشینی فوری و بدون قید و شرط عراق از کویت بود، همواره، استناد شده است. در قطعنامه ۶۶۲ نیز به صورت تلویحی، بر قطعنامه ۶۶۰ اشاره شد.^(۲) تأکید پی در پی بر قطعنامه های اولیه، عزم مصمم شورای امنیت در پایان دادن سریع تجاوز عراق به کویت و یکنواختی مواضع شورا را طی جنگ خلیج فارس، نشان می دهد.

۱۱-۱) در قطعنامه های ۴۷۹، ۵۲۲، ۵۸۸ و ۵۹۸، شورای امنیت نگرانی عمیق خود را از گسترش، افزایش و تشدید برخورد و وضعیت میان ایران و عراق ابراز و در قطعنامه های ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۸۲، ۵۸۸ و ۵۹۸ از طولانی شدن برخورد میان دو کشور، ابراز نگرانی عمیق یا تأسف می کند. جالب اینکه در هیچ یک از قطعنامه های شورای امنیت در جنگ خلیج فارس، از گسترش یا طولانی شدن بحران خلیج فارس ابراز نگرانی و تأسف نشد و به نظر می رسد شورا در مورد جنگ ایران و عراق به مسامحه و ملاحظه کاری و نه شدت عمل علیه تجاوز و حتی کشوری که با حمله به مناطق غیر مسکونی، نفتکشها و ... بانی گسترش جنگ بود، مبادرت کرد.^۳

۱۲-۱) شورای امنیت بارها، اقدام عراق در گروگانگیری اتباع و دیپلماتهای خارجی و حتی اعمال تجاوز کارانه عراق علیه ساختمانهای دیپلماتیک را به شدت محکوم کرد و مسئولیت کامل هرگونه اعمال خشنونت آمیز علیه اتباع کشورهای خارجی یا علیه هر نمایندگی دیپلماتیک یا کنسولی در کویت

(۱) مراد از غیر مستقیم آن است که در برخی از قطعنامه ها اشاره ای به عقب نشینی نشد، بلکه قطعنامه ای را که بر عقب نشینی تأکید ورزیده، مورد یادآوری قرار داده است.
(۲) در قطعنامه ۶۶۲ با اشاره به عقب نشینی فوری و بدون قید و شرط تمام نیروهای عراقی و استقرار آنها در محلی که در اول ۱۹۹۰ بوده اند، در واقع، مفاد قطعنامه ۶۶۰ را مورد تأکید قرار داده است.



طی جنگ تحمیلی، هیچ یک از قطعنامه‌های شورای امنیت به دلیل لحن توصیه گونه‌اش، هیچگونه تحریم اقتصادی، دریایی و هوایی را علیه عراق پیش بینی نکرد

شکستن توان نظامی باقی مانده عراق در تهاجم زمینی ۱۷ ماهه ژانویه سال ۱۹۹۰ (۲۶ دی ماه سال ۱۳۶۹) آمریکا و متحدانش، فراهم آورد. طی جنگ تحمیلی، هیچ یک از قطعنامه‌های شورای امنیت به دلیل لحن توصیه گونه‌اش، تحریمهای اقتصادی، دریایی و هوایی علیه عراق را پیش بینی نکرد.

۱-۱۵) در قطعنامه ۶۶۰، از عراق خواسته شد که تمام نیروهای خود را بلافاصله و بدون قید و شرط، به محلی برگرداند که پیش از تهاجم علیه کویت مستقر بوده‌اند. با توجه به اینکه در قطعنامه‌های ۶۶۱، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۷، ۶۷۰، ۶۷۴، ۶۷۷ و ۶۷۸ بر اجرای قطعنامه ۶۶۰ تأکید شد، این قطعنامه‌ها نیز بر عقب نشینی فوری و بدون قید و شرط عراق از کویت تأکید داشتند. افزون بر آن، مجدداً در قطعنامه ۶۷۴ به صورت تأکید مضاعف، لزوم عقب نشینی فوری و بدون قید و شرط مطرح و در قطع نامه ۶۶۲، عقب نشینی فوری و بدون قید و شرط

**در بیشتر قطعنامه‌های صادر شده
شورای امنیت درباره جنگ عراق علیه ایران،
همواره، جنگ به عنوان وضعیت میان
ایران و عراق بررسی شد و شورای امنیت با
آوردن واژه وضعیت، جنگ ایران و عراق را
تهاجم و تجاوز به شمار نیارود**

یا کارکنانش را بر عهده عراق قرار داد.^(۱) با این وصف، در جنگ ایران و عراق، ضمن اظهار نگرانی عمیق از حمله به کشتیها (قطعنامه ۵۲۲) و محکومیت به کارگیری سلاح شیمیایی (قطعنامه ۶۱۲) هیچ‌گاه، مسئولیت چنین اقداماتی را بر عهده عراق قرار نداد. افزون بر آن، حمله سراسری عراق علیه ایران را که از هر نظر، در مقایسه با اقدام علیه اتباع و اماکن خارجی در کویت مهم تر بود، به صراحت محکوم نکرد.^۵

۱-۱۳) شورای امنیت در جریان بحران خلیج فارس، از بین دوازده قطعنامه صادر شده، در هفت قطعنامه ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۵، ۶۶۷، ۶۷۴ و ۶۷۸ به صورت صریح، تصمیم خود را برای بررسی مجدد بحران، حفظ بررسی موضوع در دستور کار، پرداختن فعالانه به موضوع، بررسی فعالانه و مداوم مسئله یا مورد توجه قرار دادن مستمر بحران، برای اتخاذ دیگر تدابیر لازم، برای اطمینان از اجرای مواد قطعنامه‌های صادر شده را اعلام کرد. همچنین در دو قطعنامه ۶۶۶ و ۶۷۰ با اعلام تصمیم خود مبنی بر اتخاذ تدابیری برای جلوگیری دولت‌ها و اتباعشان در تخلف از اجرای قطعنامه‌هایش یا اتخاذ تصمیم پس از دریافت گزارش دبیرکل در مورد لزوم ارسال فوری مواد غذایی به عراق، به صورت غیرمستقیم، مفتوح بودن بررسی بحران خلیج فارس تأکید کرد. این امر در مقایسه با برخورد شورای امنیت با مسئله جنگ ایران و عراق به صورت دیگری مطرح بود. شورای امنیت در چهار قطعنامه از نه قطعنامه صادر شده، تصمیم خود را برای زیر نظر نگه داشتن و تعقیب موضوع (وضعیت بین ایران و عراق)، مورد تأکید قرار داد و در مهم ترین قطعنامه‌اش، یعنی قطعنامه ۵۹۸، تشکیل جلسه‌ای را در صورت لزوم و برای اتخاذ اقدامات بیشتر و تضمین اجرای قطعنامه، پیش بینی کرد. همچنین، در دو قطعنامه ۴۷۹ و ۵۲۲، درخواست تهیه و ارسال گزارش در مورد روند اجرای قطعنامه، به صورت غیرمستقیم مؤید زیر نظر داشتن مسئله جنگ ایران و عراق بود. در نتیجه، این مقایسه نشان می‌دهد که شورای امنیت به بحران خلیج فارس بیش از جنگ ایران و عراق توجه نمود و آن را بررسی و کنترل کرد.

۱-۱۴) شورای امنیت برای به ثمر نشستن سریع تصمیمهای اتخاذ شده در قطعنامه‌هایش در بحران خلیج فارس، افزون بر صدور دوازده قطعنامه الزام آور، به تحریم اقتصادی (قطعنامه ۶۶۱)، دریایی (قطعنامه ۶۶۵) و هوایی (قطعنامه ۶۷۰) علیه عراق دست زده است.^(۲) این اقدامات به کاهش در خور توجه توان نظامی عراق منجر شد و بدین ترتیب، راه را برای درهم

(۱) در بخش مقدماتی قطعنامه ۶۶۷ آمده است: «مسئولیت کامل هرگونه اعمال خشونت علیه اتباع کشورهای خارجی یا علیه هر نمایندگی دیپلماتیک یا کنسولی در کویت یا کارکنانش به عهده عراق است».

(۲) این قطعنامه‌ها به ترتیب، در تاریخهای ۶ و ۲۵ ماه اوت، ۲۵ ماه سپتامبر سال ۱۹۹۰ میلادی مطابق ۱۲ و ۳۱ مرداد و ۳ مهر ماه سال ۱۳۶۹ ه. ش به تصویب رسیده است.

تمامی نیروهای عراقی و استقرار آنها را در محلی که در اول ماه اوت سال ۱۹۹۰ (۱۱ مرداد ماه سال ۱۳۶۹) بوده اند، خواستار شد. در حالی که شورای امنیت در چهار قطعنامه (۵۱۴، ۵۲۲، ۵۸۲، ۵۹۸) از میان نه قطعنامه صادر شده در مورد جنگ ایران و عراق، آتش بس فوری و پایان و قطع تمام عملیات نظامی و عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی را خواستار شد.

همچنین، قطعنامه ۵۴۰، تنها آتش بس جامع و پایان عملیات نظامی دو طرف، بدون ذکر عقب نشینی نیروها را خواستار شد، و در هیچ یک از قطعنامه های صادر شده در مورد جنگ ایران و عراق، بر عقب نشینی بدون قید و شرط، تأکید نشد. افزون بر آن، هیچ گونه، مکانیسم اجرایی برای

در جنگ خلیج فارس،

بر خلاف جنگ ایران و عراق، که

نظریات دبیر کل یا هیئت های اعزامی اش

به منطقه تا حدی مورد توجه شورای امنیت

قرار می گرفت، مورد اعتنا واقع نشد

تضمین اجرای عقب نشینی، به استثنای توصیه هایی مبنی بر استقرار نیروهای نظارت سازمان ملل متحد، مطرح شده در چهار قطعنامه ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۴۰ و ۵۹۸ پیش بینی نگردید. در این صورت، دستیابی به راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه که دو طرف آن را بپذیرند، در قطعنامه های ۵۱۴ و ۵۴۰ عملی نبود. ۱۶- در بیشتر قطعنامه های صادر شده شورای امنیت درباره جنگ عراق علیه ایران، همواره، جنگ به عنوان وضعیت میان ایران و عراق بررسی شد. شورای امنیت با آوردن واژه وضعیت، جنگ ایران و عراق را تهاجم و تجاوز به شمار نیاورد، در حالی که هر وضعیت و برخوردی متضمن آن است که یک طرف دست به تجاوز زده باشد. البته، در قطعنامه های پایانی شورای امنیت، یعنی قطعنامه های ۵۴۰، ۵۸۲ و ۵۹۸، پیشرفتهای اندکی در تغییر موضع شورا روی داد. قطعنامه

۵۴۰ در برخورد دو کشور اظهار تأسف و بر مطلوب بودن بررسی عینی جنگ تأیید کرد، هر چند این امر به منزله تأیید وقوع جنگ و برخورد بین ایران و عراق بود و بدین دلیل، گام مثبتی به سوی شورای امنیت به شمار می رفت اما وقوع جنگ، شورا را به وقوع تجاوز و تعیین متجاوز سوق نداد.^۸ شورای امنیت در قطعنامه ۵۸۲، از نخستین اقداماتی که به برخورد بین ایران و عراق منجر شد، اظهار تأسف کرد. در واقع، این شورا ضمن تأیید تلویحی وقوع تجاوز، آن را به صراحت، مطرح نکرد. ارائه نظر واقع بینانه در مورد جنگ، در قطعنامه ۵۹۸ به اوج خود می رسید؛ زیرا، در این قطعنامه، برای نخستین بار، به اساسی ترین خواسته ایران، یعنی تعیین و معرفی متجاوز توجه شد.^۹ در نتیجه، هر چند شدت موضع گیری های شورای امنیت در سالهای پایانی جنگ، کاهش یافت، اما هیچ گاه، عراق را به عنوان متجاوز معرفی نکرد، اما در تمامی قطعنامه های شورا در مورد جنگ خلیج فارس، این شورا عراق را متجاوز شناخت و اقدام آن را محکوم کرد.

۲) بررسی تطبیقی مواضع دبیر کل در دو جنگ

این بررسی موارد زیر را در بر می گیرد:

۱-۲) مقایسه مواضع دبیر کل در دو جنگ خلیج فارس تفاوت هایی به شرح زیر را نشان می دهد:

- طی جنگ ایران و عراق، دبیر کل دو بار به تهران و بغداد سفر کرد، چندین بار نماینده اش، اولاف پالمه را در مورد آزاد سازی ۶۳ کشتی خارجی گرفتار شده در اروندرود و نیز آزاد سازی تعدادی از اسیران جنگی، برای مذاکره با مقامات دو کشور ایران و عراق، به منطقه فرستاد، هفت بار هیئت هایی را برای بررسی کاربرد سلاح های شیمیایی و بازدید از دو گاه های اسیران جنگی به منطقه اعزام کرد و دو طرح مهم (طرح هشت ماده ای و طرح اجرایی دبیر کل برای اجرای قطعنامه ۵۹۸) را در حل و فصل جنگ ایران و عراق ارائه داد، در حالی که در جریان بحران خلیج فارس، دو بار به منطقه (اردن و عراق) سفر کرد، سه بار نمایندگان را برای مذاکره با مقامات عراقی و ارزیابی اوضاع غذایی به عراق و کویت فرستاد، و طرحی چهار ماده ای را ارائه و اعلامیه ای (اعلامیه ۱۵ ماه ژانویه سال ۱۹۹۱ برابر با ۲۴ دی ماه سال ۱۳۶۹) را صادر کرد. این مقایسه تفاوت چندانی را نشان نمی دهد که مؤید نقش کم رنگ تر دبیر کل در جنگ خلیج فارس باشد، اما اگر به آمار فعالیت های دبیر کل پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ تا پذیرش آن از سوی ایران، که از نظر زمانی، تقریباً دو برابر زمان آغاز تا پایان جنگ خلیج فارس

دبیرکل در قطعنامه‌های صادر شده در مورد جنگ ایران و عراق بیش از قطعنامه‌های صادر شده در مورد جنگ خلیج فارس بود. شورا با سپردن وظایف بیشتر یا سوق دادن دبیرکل به میدان فعالیتهای دیپلماتیک به منظور پایان دادن به جنگ ایران و عراق، از نقش مؤثر خود برای این امر آن طور که در جنگ خلیج فارس آن را به نمایش گذاشت، فاصله گرفت.^{۱۱} مقایسه کیفی مواضع دبیرکل در دو جنگ خلیج فارس، تفاوت‌های دیگری به شرح زیر نشان می‌دهد:

۲-۳) در قطعنامه‌های ۴۷۹، ۵۴۰ و ۵۸۸ از اقدامات و کوششهای دبیرکل در حل و فصل مسالمت آمیز جنگ ایران و عراق، قدردانی، ستایش یا پشتیبانی شد. در هفت قطعنامه از نه قطعنامه صادر شده در جنگ ایران و عراق، از دبیرکل خواسته شد تا شورا را از روند اجرای قطعنامه آگاه کند. افزون بر آن، در تصویب قطعنامه‌های ۵۱۴، ۵۸۲، ۵۸۸ و ۶۱۲، گزارشها و کوششهای دبیرکل مورد توجه قرار گرفت، در حالی که در جریان بحران خلیج فارس، فقط در دو قطعنامه ۶۶۴ و ۶۷۰ از اقدامات دبیرکل قدردانی شد تا شورا را از روند اجرای قطعنامه آگاه کند و تنها، در تصویب قطعنامه‌های ۶۶۱ و ۶۶۶ گزارشهای دبیرکل مورد ملاحظه قرار گرفت.

۲-۴) با نگاهی به برخی از مهم ترین اقدامات دبیرکل در طول جنگ ایران و عراق به وضوح می‌توان به تأثیر این اقدامات در تعدیل موضع شورای امنیت و سوق دادن آن به موضع واقع بینانه‌ای پی برد:^{۱۲}

- پیشنهاد دبیرکل به ایران و عراق در ماههای سپتامبر و نوامبر سال ۱۹۸۰ (شهریور و آبان ماه سال ۱۳۵۹) مبنی بر اینکه مساعی وی را با هدف کمک به حل منازعه از راههای مسالمت آمیز بپذیرند، در بیانیه ۲۳ سپتامبر ماه سال ۱۹۸۲

است، بنگریم و آن را با فعالیتهای مشابه دبیرکل در جنگ خلیج فارس مقایسه کنیم، نقش کم رنگ دبیرکل در جنگ خلیج فارس قابل تأیید خواهد بود.

دبیرکل پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ تا پذیرش آن از سوی ایران،^(۱) بر شدت فعالیتهای خود افزود، طی این دوره، وی هم، با مسئولان وزارت امور خارجه ایران و هم با مقامات وزارت امور خارجه عراق سه بار ملاقات و گفت و گو کرد. یکبار به تهران و بغداد آمد، چهار بار با اعضای دائم شورای امنیت، یکبار با اعضای غیر دائم شورای امنیت، بیش از ده بار، با نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد و بیش از پنج بار با نماینده دائم عراق در سازمان ملل متحد دیدار و گفت و گو کرد.^{۱۱}

۲-۲) در مجموع قطعنامه‌های صادر شده در جنگ ایران و عراق، ۲۳ بار از دبیرکل یاد شده، تنها در قطعنامه ۵۹۸، پنج بار از دبیرکل در امور زیر نام برده شده است:

- درخواست از دبیرکل برای اعزام یک تیم ناظر ملل متحد برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها.

- درخواست از دبیرکل برای مشورت با دو طرف درگیر به منظور اتخاذ تدابیر لازم و گزارش آن به شورای امنیت.

- درخواست از ایران و عراق برای همکاری با دبیرکل در اجرای قطعنامه.

- درخواست از دبیرکل برای مشورت با ایران و عراق برای اعزام هیئتی بی طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه.

- درخواست از دبیرکل برای مشورت با ایران و عراق و کشورهای منطقه برای یافتن راههای افزایش امنیت و ثبات منطقه.

در مورد بحران خلیج فارس در دوازده قطعنامه شورا، شانزده بار نام دبیرکل ذکر شده که از این تعداد، تنها در قطعنامه ۶۷۴، پنج بار از دبیرکل در امور زیر نام برده شده است:

- یادآوری تلاشهای دبیرکل.

- یادآوری نقش مهم وی.

- درخواست از دبیرکل برای ادامه تلاش.

- درخواست از دبیرکل با ادامه مساعی جمیله.

- ارسال گزارش از سوی دبیرکل در مورد مساعی جمیله وی.

همچنین، در نخستین و آخرین قطعنامه صادر شده از شورای امنیت در جنگ ایران و عراق به ترتیب، دو بار و یکبار، از دبیرکل سخن به میان آمد، اما در نخستین و آخرین قطعنامه^(۲) شورا در جنگ خلیج فارس، هیچ اشاره‌ای به دبیرکل نشد. یادآوری وظایف محول شده و فعالیتهای



(۱) قطعنامه ۵۹۸ در تاریخ ۲۹ تیر ماه سال ۱۳۶۶ به تصویب رسید و در تاریخ ۲۶ تیر ماه سال ۱۳۶۷ از سوی ایران پذیرفته شد.
(۲) نخستین و آخرین قطعنامه شورا در جنگ ایران و عراق ۴۷۹ و ۶۱۲ و در جنگ خلیج فارس قطعنامه‌های ۶۶۰ و ۶۷۸ است.

(۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹)، قطعنامه ۴۷۹ (مصوب ۲۸ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ برابر با ۶ مهر ماه سال ۱۳۵۹) و بیانیه ۱۰ ماه اکتبر سال ۱۹۸۰ (۱۷ مهر ماه سال ۱۳۵۹) شورای امنیت تأیید شد.

- در جلسه ۱۳ ماه اکتبر سال ۱۹۸۶ (۱۰ مهر ماه سال ۱۳۵۶) شورای امنیت، دبیرکل با یادآوری عدم پذیرش قطعنامه‌های گذشته شورای امنیت از سوی ایران و پذیرش آنها از سوی عراق، که به طولانی شدن جنگ و توسعه آن منجر شده بود، برقراری بنیان و اساسی را از سوی شورابرای مذاکراتی که برای هر دو طرف ایران و عراق قابل قبول باشد، خواستار شد. این نظر دبیرکل با ذکر عبارت بررسی گزارش دبیرکل و شرایط لازم برای برقراری صلحی با دوام بین دو کشور در قطعنامه ۵۸۸ (مصوب ۸ ماه اکتبر سال ۱۹۸۶ برابر با ۱۶ مهر ماه سال ۱۳۶۵)

تصویب قطعنامه ۵۹۸ بود.^{۱۳} افزون بر موارد مزبور، گزارش هیئتهای اعزامی دبیرکل برای بررسی کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ، که با تأیید دبیرکل به شورای امنیت ارسال می‌شد، به نحو بارزی در بیانیه و قطعنامه‌های صادر شده در مورد محکومیت کاربرد سلاحهای شیمیایی منعکس شده است، برای نمونه:

- گزارش هیئت اعزامی دبیرکل در مورد کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق، به محکومیت قوی به کارگیری آن در بیانیه ۳۰ ماه مارس سال ۱۹۸۴ (۱۰ فروردین ماه سال ۱۳۶۳) و محکومیت شدید به کارگیری سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی در بیانیه ۲۵ ماه آوریل سال ۱۹۸۵ (۵ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۴) انجامید. همچنین، گزارش هیئت



مورد توجه نسبی قرار گرفت.

- دبیرکل در گزارشی که در ۳۱ ماه دسامبر سال ۱۹۸۶ (۱۰ دی ماه سال ۱۳۶۵) در مورد حملات انجام شده علیه کشتیها در خلیج فارس به شورای امنیت ارائه داد،^(۱۴) تلاش مضممانه اعضای شورا، به ویژه اعضای دائم آن را برای پایان دادن به جنگ خواستار شد. وی اعلام کرد که حاضر است، نظریاتش را برای دست یابی به ایجاد مبنایی که مورد پذیرش ایران و عراق در پایان بخشیدن به جنگ باشد، در اختیار شورا بگذارد. اعضای شورا این درخواست دبیرکل را پذیرفتند و از ماه فوریه سال ۱۹۸۷ (اسفند ماه سال ۱۳۶۵)، اعضای دائم شورا به صورت یک گروه، کار مشترک و سازماندهی شده‌ای را برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق آغاز کردند که نتیجه کار آنها

اعزامی، محکومیت قوی کاربرد سلاحهای شیمیایی از سوی عراق علیه نیروهای ایرانی را باعث شد. بار دیگر، گزارش هیئت اعزامی، استفاده مکرر عراق از سلاحهای شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی در بیانیه ۱۴ ماه مه سال ۱۹۸۷ (۲۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۶) محکوم کرد. افزون بر آن، گزارش هیئت اعزامی، زمینه صدور قطعنامه ۶۱۲^(۱۵) (مصوب ۹ ماه مه سال ۱۹۸۸ برابر با ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۷) را که در آن، ضمن تأیید و محکوم کردن کاربرد سلاح شیمیایی در مناقشه ایران و عراق، از دو طرف خواست تا استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی را متوقف کنند؛ فراهم کرد.

در جنگ خلیج فارس، بر خلاف جنگ ایران و عراق، نظریات دبیرکل یا هیئتهای اعزامی اش به منطقه، به این

(۱) طی این گزارش، دبیرکل ۱۰۱ مورد حمله به کشتیها در خلیج فارس را به شورای امنیت اطلاع داد.

(۲) قطعنامه ۶۱۲ نخستین قطعنامه تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران است که مستقلاً در مورد کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ ایران و عراق صادر شده است.



گسترده‌گی مورد توجه شورای امنیت قرار نگرفت. برای نمونه، پیش از ۱۵ ماه ژانویه سال ۱۹۹۱ (۲۴ دی ماه سال ۱۳۶۹) دبیرکل از شورای امنیت خواست تا با توجه به موافقت ۵ ماه ژانویه سال ۱۹۹۱ (۱۴ دی ماه سال ۱۳۶۹) عراق مبنی بر پذیرش مذاکره با آمریکا در مورد حل و فصل بحران خلیج فارس و با توجه به امیدهای صلحی که بدین دلیل پدید آمد، برای بررسی مجدد بحران خلیج فارس تشکیل جلسه دهد، اما با مخالفت آمریکا، شورای امنیت چنین درخواستی را نپذیرفت. افزون بر آن، نماینده دائمی شوروی در سازمان ملل متحد اعلام کرد، در این شرایط، نباید دست به اقداماتی زد که قطعنامه توسل به زور علیه عراق را نقض کند. در واقع، وی این پیشنهاد دبیرکل را پیشنهادی تلقی کرد که می‌تواند، نقض قطعنامه توسل به زور علیه عراق شود.^{۱۲}

۲-۵) دبیرکل تا پایان یافتن بحران خلیج فارس، همواره، بر معتبر بودن نخستین قطعنامه شورای امنیت (قطعنامه ۶۶۰)، در مورد وقوع تهاجم عراق به کویت اصرار کرد و حتی در پیام ۱۵ ماه ژانویه (۲۴ دی ماه سال ۱۳۶۹) خود به صدام حسین، از وی خواست تا با اجرای قطعنامه ۶۶۰، مبنی بر عقب نشینی بی قید و شرط از کویت، به بحران پدید آمده، پایان دهد، اما دبیرکل در جریان جنگ ایران و عراق، به ویژه از ماه اکتبر سال ۱۹۸۶ (مهر ماه سال ۱۳۶۵) ضرورت برقراری مبنایی را برای مذاکرات قابل پذیرش دو طرف جنگ (ایران و عراق)، مطروح شده در جلسه ۱۳ ماه اکتبر سال ۱۹۸۶ (۱۳ مهر ماه سال ۱۳۶۵) شورای امنیت، اعلام کرد و مؤثر بودن قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت را برای استقرار صلح پایدار، مورد نفی و تردید قرار داد. بدین سان، دبیرکل به طور ضمنی، عدم اراده مؤثر شورای امنیت، برای پایان دادن جامع، عادلانه و شرافتمندانه جنگ ایران و عراق را، پیش از تصویب قطعنامه ۵۹۸، تأیید کرد.

دبیرکل به استثنای پیام ۱۵ ماه ژانویه سال ۱۹۹۱ (۲۴ دی ماه سال ۱۳۶۹) و با صرف نظر از درخواستهای شفاهی از دولت عراق، برای پذیرش و اجرای قطعنامه ۶۶۰ شورای امنیت، هیچ‌گاه، با فرستادن پیام و درخواست کتبی برای حل بحران خلیج فارس گام برداشت، اما در جریان جنگ ایران و عراق در موارد زیر به این کار اقدام کرد:

- درخواست از دو کشور مبنی بر پذیرش مساعی اش در پایان دادن به درگیری (سپتامبر سال ۱۹۸۰ برابر با شهریور ماه سال ۱۳۵۹).

- ابراز نگرانی از ادامه جنگ و خسارات ناشی از آن (فوریه ماه ۱۹۸۴ برابر با اسفند ماه سال ۱۳۶۲).

- درخواست از دو کشور در مورد پایان فوری حملات به مناطق مسکونی (ژوئن سال ۱۹۸۴^{۱۳}) برابر با خرداد ماه سال ۱۳۶۳.

- درخواست از دو کشور مبنی بر اینکه از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای اجرای کنوانسیون ژنو در مورد اسیران جنگی حمایت کنند (ژوئن سال ۱۹۸۴ برابر با خرداد ماه سال ۱۳۶۳).

- درخواست از ایران و عراق برای خودداری از تمرکز نیروهای نظامی در مناطق مسکونی و اعلام تعهد و پایبندی جدی آنها برای به کار نبردن سلاحهای شیمیایی (ژوئن سال ۱۹۸۹ برابر با خرداد ماه سال ۱۳۶۳).

- تقاضا از دو طرف برای احترام به توافق ۱۲ ماه ژوئن سال ۱۹۸۴ برابر با ۱۸ خرداد ماه سال ۱۳۶۳ (مارس سال ۱۹۸۵ برابر با فروردین ماه سال ۱۳۶۳).

- درخواست از دو طرف برای خودداری از حمله به مناطق مسکونی یکدیگر و پیشنهاد فعال شدن هیئتهای بازرسی و نظارت بر عدم حمله به مناطق مسکونی (ژوئیه سال ۱۹۸۶ برابر با تیر ماه سال ۱۳۶۵).

- درخواست از ایران و عراق به منظور اعزام نمایندگان ویژه‌ای برای گفت‌وگو در مورد اجرای قطعنامه ۵۹۸ به نیویورک (مارس سال ۱۹۸۸ برابر با فروردین ماه سال ۱۳۶۷).

- درخواست از دو طرف مبنی بر خودداری از اقداماتی که به وخیم‌تر شدن اوضاع منجر شود، (مارس سال ۱۹۹۸ برابر با فروردین ماه سال ۱۳۶۷).

تعداد زیاد پیامهای ارسالی برای مقامات ایرانی و عراقی، نسبت به مورد مشابه بحران خلیج فارس، مؤید این مطلب است که تلاش دبیرکل برای حل مسالمت‌آمیز اختلاف بین

(۱) این درخواست که با پذیرش دو طرف روبه‌رو شد، به ابتکار ۱۲ ژوئن دبیرکل معروف است.

ایران و عراق بیشتر بوده است؛ موضوعی که با نیات شورای امنیت هماهنگی دارد که خواهان ادامه جنگ ایران و عراق و حل و فصل آن بدون توجه به ریشه های جنگ و خواسته های ایران بود.

۲-۶) در جنگ ایران و عراق، دبیرکل حضور نظامی امریکارا در منطقه، که به نحو چشمگیری با حمله به سکوها نفتی ایران، بازرسی و توقیف کشتیهای تجاری ایران یا ساقط کردن هواپیمای ایرباس ایرانی، عملاً، به نفع عراق وارد عمل شده بود،^{۱۵} مورد توجه قرار نداد و آن را با قطعنامه های شورای امنیت مغایر ندانست که به طور مداوم، بر خویشتن داری کشورها از اقدام منجر به تشدید و گسترش برخورد ایران و عراق تأکید می کرد، اما پیش از تصویب قطعنامه توسل به زور علیه عراق، افزایش حضور امریکا در منطقه خلیج فارس را مخالف قطعنامه های شورای امنیت معرفی کرد، هر چند بعدها آن را با توجه به مجوزی که شورای امنیت به دولتهایی که با دولت عراق همکاری می کرده اند، به منظور استفاده از تمامی وسایل برای وادار کردن عراق به عقب نشینی از کویت، صادر کرد، قانونی دانست.^{۱۶}

۲-۷) دبیرکل در جریان جنگ ایران و عراق، نخستین مرجع از مجموعه سازمان ملل متحد بود که در نخستین روز جنگ، نسبت به حمله سراسری عراق علیه ایران، با عنوان برخورد بین دو کشور، واکنش نشان داد. طی این واکنش، وی به دو دولت ایران و عراق پیشنهاد کرد که به او اجازه دهند، مساعی اش را در حل و فصل مسالمت آمیز برخورد دو کشور به انجام رساند. روز بعد، پس از آنکه پاسخی از دو طرف دریافت نکرد، طبق وظایف محول شده در ماده ۹۹ منشور ملل متحد، توجه شورای امنیت را به احتمال افزایش مخاصمه بین دو کشور جلب کرد و شورا را برای تشکیل جلسه به منظور بررسی این موضوع فرا خواند. این جلسه در دومین روز جنگ، تشکیل و به نخستین موضعگیری شورای امنیت طی بیانیه ای رسمی منجر شد. در حالی که در جریان حمله عراق به کویت، دبیرکل پس از شورای امنیت، دومین مرجع از سازمان ملل متحد بود که طی دیدار با نماینده عراق در سازمان ملل متحد، در دومین روز جنگ، نگرانی عمیق خود را به طور شفاهی، از حمله نظامی عراق به کویت، اعلام و فقط در ۱۵ ماه ژانویه سال ۱۹۹۱ (۲۴ دی ماه سال ۱۳۶۹) تنها اعلامیه خود را در بحران خلیج فارس صادر کرد که آن هم بیشتر به یک درخواست دوستانه شبیه بود.

۲-۸) دبیرکل از آغاز حمله عراق به کویت، در راه تلاش برای حل و فصل مسالمت آمیز بحران خلیج فارس، مورد بی مهری

عراق قرار گرفت. این بی مهری هنگامی آشکارتر شد که دبیرکل پنج روز پس از حمله عراق به کویت و سه روز پس از اعلام نخستین مواضع اش در قبال متجاوز شناختن عراق، نامه ای را از عراق دریافت کرد که در آن، به وی و به تمامی کشورهای جهان هشدار داده شده بود که از دخالت در مسئله کویت خودداری کنند.^{۱۷} به دنبال این نامه، خاویر پرز دکوئیار از اظهار نظر درباره بسیج نیروهای امریکایی برای استقرار در منطقه خلیج فارس خودداری کرد و حل صلح آمیز بحران را از طریق گردن نهادن دولت عراق به اجرای قطعنامه ۶۶۰ شورای امنیت خواستار شد.^{۱۸} این بی مهری تا پایان بحران خلیج فارس ادامه یافت. اندکی پس از حمله هوایی امریکا و متحدانش علیه عراق، طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق، دبیرکل را مسئول تمامی جنایتها علیه عراق دانست.^{۱۹} بر این اساس، مجموعه اقدامات دبیرکل برای حل صلح آمیز بحران خلیج فارس، نتایج محسوسی را به دنبال نداشت. در عوض، در جنگ ایران و عراق، دبیرکل با اقدامات و ابتکارات شخصی، در چهارچوب قطعنامه های شورای امنیت توانسته بود، اعتماد عراق را جلب کند؛ زیرا، وی به پیروی از موضع شورای امنیت در جنگ ایران و عراق، بغداد را متجاوز معرفی نکرد و موضعگیریهایش در قبال جنگ بر این پایه استوار بود. بر این اساس، موفقیت دبیرکل در کاهش شدت یا آلام جنگ ایران و عراق با توجه به نظر مساعد دو کشور نسبت به اقدامات وی قابل پیش بینی بود.

۲-۹) دبیرکل به پیروی از مواضع شورای امنیت، خروج بدون قید و شرط نیروهای عراقی از کویت را خواستار بود. وی در سفر به امان و دیدار با طارق عزیز در اواخر ماه اوت سال ۱۹۹۰، (اوایل شهریور ماه سال ۱۳۶۹) و نیز در پیام ۱۵ ژانویه سال ۱۹۹۱ (۲۴ دی ماه سال ۱۳۶۹) به صدام حسین، به طور صریح بر این موضوع تأکید کرد، اما با توجه به اینکه طی جنگ همواره، بخشهایی از خاک ایران در تصرف عراق باقی ماند، همانند شورا هیچ گاه بر عقب نشینی بی قید و شرط از خاک ایران تأکید نکرد.

۲-۱۰) دبیرکل در حل مسالمت آمیز اختلافات ایران و عراق، چندان عجله ای نداشت، ظاهراً، وی حل سریع اختلافات ایران و عراق را که به صورت جنگ تمام عیاری در آمده بود، همانند نظر مشابه شورای امنیت، لازم نمی دید. البته، هنگامی که طارق عزیز در مذاکرات امان اعلام کرد، برای حل مسئله به دیپلماسی آرامی نیاز است، دبیرکل مأموریتش را شکست خورده اعلام کرد، در صورتی که می توانست با تعقیب آرام مسئله، همانند اقدامی که در جنگ ایران و عراق



هلسینکی برای این بحران راهی بیابند.

- دبیرکل در ماه نوامبر سال ۱۹۹۰ (آبان ماه سال ۱۳۶۹) دورنمای صلح در منطقه را تیره و تاریک توصیف کرد، با این حال، ناامیدی وی مانع از افزایش اقدامات صلح جویانه اش تا پایان بحران خلیج فارس نشد، این در حالی بود که دبیرکل در جنگ ایران و عراق با دیپلماسی اتخاذ کرده، موفقیت‌های درخور توجهی را به دست آورد و در نهایت، جنگ تحمیلی را با مذاکره و رایزنی به پایانش نزدیک کرد.^{۲۲}

۱۴-۲) دبیرکل در پیامی که در ۱۵ ماه ژانویه سال ۱۹۹۱ (۲۴ دی ماه سال ۱۳۶۹) برای صدام حسین ارسال کرد، در صورت اجرای قطعنامه ۶۶۰ از سوی عراق، تضمین کافی را که از بالاترین سطوح دولتها دریافت کرده بود، مبنی بر اینکه نیروهای عراقی به هنگام عقب نشینی از کویت تعقیب نخواهند شد، به بغداد داد، اما هنگامی که مقامات ایرانی اعلام کردند، در صورتی که ایران اجرای قطعنامه ۵۹۸ را به همان صورت تصویری بپذیرد، ممکن است امریکا در اجرای بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ (شناسایی مسئولیت جنگ ایران و عراق) موانع جدی فراهم آورد، دبیرکل هیچ گونه تضمینی در این مورد به ایران نداد.^{۲۵}

۳) تطبیق مواضع مجمع عمومی در دو جنگ

از مجمع عمومی انتظار می رود بر اساس وظایف محول شده در منشور ملل متحد و نیز به علت ساختار دموکراتیک و عضویت اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان، واقع بینی بیشتری در برخورد با مسائل جهانی داشته باشد. این در حالی است که در جنگ ایران و عراق و همچنین، در بحران خلیج فارس به نحو چشمگیری از مواضع شورای امنیت پیروی کرد. به همین دلیل، در برخورد با جنگ ایران و عراق در مقایسه با جنگ خلیج فارس در مواضع مجمع عمومی همانند مواضع شورای امنیت، دوگانگی ای به شرح زیر دیده می شود:

۱-۳) صرف نظر از مواضع غیررسمی، رئیس مجمع عمومی در جریان بحران خلیج فارس، موضع دیگری اتخاذ نکرد. بدین ترتیب، دست شورای امنیت در حل و فصل بحران، کاملاً باز گذاشته شد. هر چند براساس بند ماده ۱۲ منشور سازمان ملل متحد، در جنگ ایران و عراق، مجمع عمومی نمی توانست به علت مطرح بودن موضوع جنگ مزبور در دستورکار شورای امنیت، در این مسئله دخالت کند، اما به صدور قطعنامه رسمی ۲۲ ماه اکتبر سال ۱۹۸۲ (۲۹ مهر ماه سال ۱۳۶۱) اقدام کرد که به نحو درخور توجهی در تأیید مواضع

تعداد زیاد پیامهای ارسالی دبیرکل برای مقامات ایرانی و عراقی، نسبت به مورد مشابه بحران خلیج فارس، مؤید این مطلب است که تلاش دبیرکل برای حل مسالمت آمیز اختلاف بین ایران و عراق بیشتر بوده است

کرد، برای، دستیابی به راه حل مسالمت آمیزی بکوشد.^{۲۰} ۱۱-۲) دبیرکل پذیرفته بود که بین بحران خلیج فارس (حملة عراق به کویت) و بحران خاورمیانه ارتباط وجود دارد. وی این موضع را برای نخستین بار، در ۶ ماه سپتامبر سال ۱۹۹۰ (۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۶۹) اعلام کرد^{۲۱} و گورباچف، پس از دیدار سران دو کشور امریکا و شوروی در هلسینکی آن را مورد تأیید قرار داد. بعدها، در بیانیه مشترک اروپا در ۲۶ ماه سپتامبر سال ۱۹۹۰ (۴ مهر ماه سال ۱۳۶۹) و بیانیه ریاست شورای اروپا در ۴ ماه ژانویه سال ۱۹۹۱ (۱۳ دی ماه سال ۱۳۶۹) و نیز اعلامیه ۵ ماه ژانویه سال ۱۹۹۱ (۲۴ دی ماه سال ۱۳۶۹) مجدداً بر این موضوع تأکید شد،^{۲۲} اما درخواست ایران مبنی بر اینکه بین تشدید جنگ از سوی عراق و حضور نظامی امریکا در منطقه ارتباط وجود دارد؛ موضوعی که بر این اساس، ایران بارها با اعلام امنیت برای همه یا برای هیچ کس بر آن تأکید کرد، مورد توجه دبیرکل قرار نگرفت.^{۲۳}

۱۲-۲) دبیرکل در جریان جنگ خلیج فارس، بارها، یأس و ناامیدی خود را در حل و فصل مسالمت آمیز بحران اظهار کرد. برای نمونه:

- پیش از تصویب قطعنامه تحریم هوایی علیه عراق، دبیرکل شانس دستیابی به حل مسالمت آمیز اختلافات را بسیار اندک دانست.

- پس از سفر به امان، دبیرکل تلاشهایش را در حل مسالمت آمیز بحران شکست خورده اعلام کرد و از سران دو کشور امریکا و شوروی سابق خواست تا در دیدارشان در

گذشته شورای امنیت بود؛ موضوعی که با توجه به تأکید قطعنامه مزبور بر قطعنامه‌ها و برخی از بیانیه‌های پیشین شورای امنیت، بیش از پیش قابل تأیید است.^{۲۶}

۳-۲) عراق بارها، از تریبون مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در اجلاس‌های سالانه مجمع عمومی، برای موجه جلوه دادن اقدامات تجاوزکارانه خود علیه ایران استفاده کرد. افزون بر آن، کشورهایی که به طور رسمی و غیر رسمی، از سیاستها و اقدامات عراق حمایت می‌کردند، از تریبون مجمع عمومی و حتی از قدرت تصمیم‌گیری آن برای حمایت از عراق سود بردند؛ فرصتی که در بحران خلیج فارس، کمتر برای عراق فراهم بود. برای نمونه، طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق، با جلوگیری دولت امریکا نتوانست در اجلاس سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) مجمع عمومی شرکت کند، با این حال، مجمع عمومی و حتی دبیرکل برای ممانعت امریکا از حضور طارق عزیز در مجمع عمومی واکنش جدی نشان ندادند.^{۲۷}

۳-۳) عراق طی هشت سال جنگ علیه ایران، جای پای محکمی در مجمع عمومی سازمان ملل داشت؛ زیرا، ریاست کمیته ویژه افزایش کارایی اصل عدم توسل به زور در روابط بین‌الملل در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، ریاست سی و ششمین اجلاس مجمع عمومی در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) و ریاست کمیته حقوقی مجمع عمومی در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) را عهده‌دار بود. این امر در کشاندن مجمع عمومی به سوی تأمین خواسته‌های عراق و کشورهای هوادار آن تأثیر داشت. نمونه بارز آن را می‌توان در قطعنامه ۲۲ ماه اکتبر سال ۱۹۸۲ (۲۹ مهر ماه سال ۱۳۶۱) مجمع عمومی دید. به نظر می‌رسد برخی از کشورها به عمد، با جا باز کردن برای عراق، طولانی شدن جنگ را از طریق تشدید معاهده بین خواسته‌های دو کشور باعث شدند.^{۲۸}

۳-۴) به پیشنهاد عراق، مجمع عمومی موضوع پیامدهای طولانی شدن بر خورد و مناقشه مسلحانه بین ایران و عراق را در دستور کار اجلاس سی و هفتم خود قرار داد و قطعنامه‌ای را با اکثریت آرا به تصویب رسانید که بیشتر بر پایه تأمین نظرهای عراق بود. متن قطعنامه را چهارده کشور از هواداران اقدامات عراق علیه ایران، مانند کشورهای شورای امنیت تهیه کردند. البته، ایران نیز پیش نویس قطعنامه‌ای را تهیه و به مجمع عمومی ارائه داد که مورد توجه مجمع عمومی قرار نگرفت.^{۲۹} همچنین، کمیته رهبری مجمع عمومی درخواست عراق برای بررسی تمرکز نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و تهدید علیه صلح و امنیت عربی و بین‌المللی، در اجلاس

چهل و پنجم مجمع عمومی را رد کرد.^{۳۰}

۳-۵) در اجلاس سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) مجمع عمومی، رئیس جمهور فرانسه، طرحی چهار ماده‌ای را برای حل بحران خلیج فارس ارائه داد. این طرح که حل و فصل بحران، در پیوند با مسائل دیگر خاورمیانه را نیز در بر گرفت، به معنای توجه جدی به خواست عراق در این مورد بود، در حالی که مجمع عمومی هیچ‌گونه، طرح صلحی را در جنگ ایران و عراق ارائه نداد، در واقع، هیچ‌گاه، به نظر ایران در پایان دادن جنگ توجهی نشد. افزون بر آن، در همین اجلاس، طرح میتران و حتی مواضع امریکا لحنی غیر تعرضی داشت و بر همین اساس، عراق از لحن غیر تعرضی سخنان میتران و از تأکید بوش بر حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران خلیج فارس استقبال کرد. این مسئله نشان می‌دهد که دو دولت فرانسه و امریکا خلاف جنگ ایران و عراق، پایان سریع تجاوز عراق علیه کویت را خواستار بوده‌اند.^{۳۱}

ب) مواضع سازمان ملل متحد در دو جنگ خلیج فارس: مطالعه موردی

در این بخش، به مطالعه و بررسی تطبیقی نخستین و آخرین مواضع شورای امنیت و دبیرکل در دو جنگ خلیج فارس می‌پردازیم. چنین مقایسه‌ای بدان دلیل صورت می‌گیرد که مقایسه تطبیقی تمامی مواضع رسمی و مهم شورای امنیت و دبیرکل از حوصله این پژوهش خارج است.

۱) مقایسه نخستین واکنشهای شورای امنیت در دو جنگ

شورای امنیت در ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹) برای مشاوره غیررسمی درباره آنچه برخورد بین ایران و عراق می‌نامید، تشکیل جلسه داد و در پایان آن، تائب سلیم،^(۱) رئیس شورای امنیت، نخستین موضعگیری شورای امنیت تحت بیانیه‌ای صادر کرد:

«امروز، اعضای شورای امنیت طی مشاورات غیررسمی، نظر خود را در مورد وضعیت بسیار وخیمی که بین ایران و عراق پدید آمده است، بیان کردند. آنان به تیرگی شدید روابط و گسترش عملیات مسلحانه که به تلفات انسانی و خسارات مادی سنگین منجر شده است، توجه کردند. اعضای شورای امنیت، عمیقاً نگران و خیم تر شدن این اختلاف و تبدیل شدن آن به تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی هستند. آنان از درخواست دبیرکل سازمان ملل متحد که در ۲۲ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹) از هر دو طرف و همچنین، از پیشنهاد و مساعی ایشان برای حل اختلاف

(۱) تائب سلیم نماینده کشور تونس بود که در آن زمان یکی از اعضای غیردائم شورای امنیت و رئیس دوره‌ای آن بود.



در جنگ ایران و عراق، دبیر کل سازمان ملل حضور نظامی امریکا را در منطقه، که به نحو چشمگیری با حمله به سکوه‌های نفتی ایران، بازرسی و توقیف کشتیهای تجاری ایران یا ساقط کردن هواپیمای ابرباس ایرانی، عملاً، به نفع عراق وارد عمل شده بود، مورد توجه قرار نداد و آن را با قطعنامه‌های شورای امنیت مغایر ندانست

- اعتبار، قدرت و ضمانت اجرایی قطعنامه از بیانیه بیشتر است، افزون بر آن، بیانیه از نظر آثار و پیامدهای مالی در سازمانهای بین‌المللی، ضمانت اجرایی ندارد.
- قطعنامه تصمیم رسمی تلقی می‌شود و به دنبال جلسه رسمی صادر می‌شود، اما بیانیه می‌تواند در پایان جلسه‌ای غیررسمی نیز صادر شود.^{۳۳}

نتیجه اینکه صدور بیانیه نشان دهنده اراده ضعیف شورای امنیت در برخورد با جنگ ایران و عراق بود، اما صدور قطعنامه، اراده قوی شورای امنیت را در واکنش به حمله عراق به کویت نشان می‌داد. در واقع، بیانیه هنگامی صادر شد که جنگ ایران و عراق در جریان بود و احتمال گسترش آن به

شورای امنیت نخستین موضعگیری خود را در باره جنگ ایران و عراق با صدور بیانیه‌ای انجام داد، در صورتی که نخستین موضعگیری اش در مورد حمله عراق به کویت با صدور قطعنامه همراه بود

کنونی، استقبال و کاملاً، از آنها پشتیبانی می‌کنند. اعضای شورای امنیت از من خواسته‌اند، که به نمایندگی از طرف آنها از دولتهای ایران و عراق درخواست کنم، که در نخستین گام برای حل اختلافات، از انجام هرگونه عملیات مسلحانه و هرگونه عملی که وضع خطرناک کنونی را تشدید کند، بپرهیزند و اختلافات خود را از راههای مسالمت آمیز حل کنند.^{۳۳}

شورای امنیت در ۱۲ ماه اوت سال ۱۹۹۰ (۱۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹) برای بررسی تهاجم عراق علیه کویت تشکیل جلسه داد و قطعنامه ۶۶۰ خود را به عنوان نخستین موضعگیری اش درباره این تهاجم، بدین شرح صادر کرد:
«شورای امنیت، با نگرانی از تهاجم مورخ ۱۲ ماه اوت سال ۱۹۹۰ (۱۱ مرداد ماه سال ۱۳۵۹) نیروهای نظامی عراق به کویت، با توجه به از هم گسستن صلح و امنیت در نتیجه این تهاجم و طبق مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد:

۱) تهاجم عراق علیه کویت را محکوم می‌کند.
۲) از عراق می‌خواهد که تمام نیروهای خود را بلافاصله و بدون قید و شرط، به محلی ببرد که در ۱ ماه اوت سال ۱۹۹۰ در آنجا مستقر بوده‌اند.
۳) عراق و کویت را متعهد می‌کند که بلافاصله، مذاکرات فشرده‌ای را برای حل اختلافات خود آغاز کنند و از تمام تلاشهایی که در این زمینه به عمل می‌آید، به ویژه تلاشهای اتحادیه عرب حمایت کنند.
۴) تصمیم می‌گیرد که مجدداً و در صورت نیاز، تشکیل جلسه دهد تا اتخاذ دیگر تدابیر لازم برای اجرای این قطعنامه را بررسی کند.^{۳۳}

مقایسه بیانیه ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۶۹) و قطعنامه ۶۶۰، مصوب ۱۲ ماه اوت سال ۱۹۹۰ (۱۱ مرداد ماه سال ۱۳۶۹) به عنوان نخستین موضعگیریهای شورای امنیت درباره جنگ ایران و عراق و حمله عراق علیه کویت تفاوتی زیر را نشان می‌دهد:

۱-۱) شورای امنیت نخستین موضعگیری خود را درباره جنگ ایران و عراق با صدور بیانیه‌ای انجام داد. در صورتی که نخستین موضعگیری اش در مورد حمله عراق به کویت با صدور قطعنامه همراه بود. بین بیانیه^(۱) و قطعنامه^(۲) تفاوتی به شرح زیر وجود دارد:

- بیانیه با رأی گیری همراه نیست، اما قطعنامه با رأی گیری به تصویب می‌رسد. به همین علت، بیانیه مخالف ندارد، در حالی که قطعنامه می‌تواند مخالف هم داشته باشد، البته، هنگامی که قطعنامه با اکثریت آرا (نه اتفاق آرا) به تصویب برسد.

(1) Statement

(2) Resolution

بیانیه ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ ۲۴ ساعت پس از آغاز عملیات نظامی عراق علیه ایران صادر شد، اما قطعنامه ۶۶۰، تنها به فاصله کمتر از چهار ساعت بعد از حمله عراق به کویت، به تصویب رسید

وضوح در اعلامیه ۲۲ ماه سپتامبر (۳۱ شهریور ماه) دبیر کل درباره جنگ ایران و عراق و نیز درخواست ۲۳ ماه سپتامبر (۱ مهر ماه) وی از شورای امنیت برای تشکیل جلسه در مورد جنگ ایران و عراق و حتی در بیانیه ۲۳ ماه سپتامبر (۱ مهر ماه) شورای امنیت^(۱) مطرح شده بود. با این وصف، با صدور بیانیه، کوششی جدی برای عدم گسترش جنگ بین ایران و عراق به عمل نیامد، حتی صدور بیانیه با اظهار نگرانی عمیق شورای امنیت و تأیید وضعیت بسیار وخیم بین ایران و عراق، تناسبی نداشت. در عوض، ابراز نگرانی شورای امنیت در مورد حمله عراق به کویت، به صدور قطعنامه ۶۶۰ منجر شد. در حالی که منطقی تر بود که نگرانی عمیق به صدور قطعنامه و نه بیانیه می انجامید.

۱-۲ در بیانیه ۲۳ ماه سپتامبر (۱ مهر ماه)، به مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد و نیز به هیچ یک از مواد منشور ملل متحد، اشاره و استناد نشد. در حالی که حداقل موادی از منشور ملل متحد، مانند به کار نرفتن زور، اشغال نکردن سرزمینهای دیگران از طریق زور و احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها نقض شده بود^(۲) اما در قطعنامه ۶۶۰ به دو ماده ۳۹ و ۴۰ از فصل هفتم منشور اشاره شد. بر اساس ماده ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد، شورای امنیت وجود تهدید علیه صلح یا برهم زدن صلح یا اقدام به تجاوز را تشخیص داد و در نتیجه، در ماده ۱ قطعنامه ۶۶۰ تهاجم عراق به کویت را محکوم کرد. بر اساس این تشخیص و به منظور جلوگیری از وخامت بیشتر وضعیت، از عراق خواست تا تصمیمهای شورا را مبنی بر

عقب نشینی و انجام مذاکره، اجرا کند. افزون بر آن، شورای امنیت با اشاره به مواد مزبور، راه را برای دست زدن به اقدامات تنبیهی در صورتی که عراق تصمیمهای مطرح شده شورا در قطعنامه ۶۶۰ اجرا نکند، باز گذاشته بود. شورا به استناد به دو ماده ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد، حمله عراق به کویت را موجب از هم گسستن صلح و امنیت دانست و آن را تهاجم و تجاوز شناخت، در حالی که حمله عراق به ایران نیز همان ویژگیهای حمله عراق به کویت را داشت. به دیگر سخن حمله عراق به ایران و کویت، هر دو ویژگیهای تجاوز مطرح شده در منشور ملل متحد و قطعنامه تعریف تجاوز را دارا بود. افزون بر آن، حمله سراسری عراق به ایران، به استناد قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره و گزارش ۹ ماه دسامبر سال ۱۹۹۱ (۷ آذر ماه سال ۱۳۵۹) دبیر کل، به وضوح قابل تأیید است.^(۳)

۱-۳ در بیانیه ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹) از ایران و عراق خواسته شد که به عنوان نخستین گام برای حل اختلافات از انجام هر گونه عملیات مسلحانه و هر گونه عملی که وضع خطرناک کنونی را تشدید کند، بپرهیزند. این به منزله به رسمیت شناختن تلویحی عمل تجاوز عراق و موجه بودن ابقای نیروهای عراقی در بخشهای تصرف شده در خاک ایران بود.^(۴) به بیان دیگر، این بدان معنا بود که ایران در خاک خود و نه بر سر مرزهای شناخته شده بین المللی آتش بس را بپذیرد. شورا باید بر اساس اصول و منشور سازمان ملل نخستین قدم را عقب نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران تعیین می کرد. در این صورت، امکان دستیابی به راهی برای حل مسالمت آمیز جنگ وجود داشت. همچنین، عملیات مسلحانه از سوی عراق آغاز شده و در حال جریان بود و ایران که از تهاجم عراق مبهوت بود، تنها در مقام دفاع از خود، آن هم در مقیاس محدودی دست به اسلحه برده بود.^(۵) در نتیجه، تشدید این وضعیت می توانست از سوی عراق انجام شود که در موضع برتر نظامی قرار داشت، اما در بیانیه ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹)، این موضوعات نادیده گرفته و بر این اساس، از دو طرف و نه از عراق خواسته شد تا با خودداری از انجام عملیات مسلحانه یا هر عمل دیگری در خطرناک کنونی را وخیم تر نکنند، اما شورای امنیت در قطعنامه ۶۶۰، نخست، از عراق خواست تا تمام نیروهای خود را بدون قید و شرط از خاک کویت خارج کند و سپس دو طرف را نیز متعهد کرد که بی درنگ، مذاکرات فشرده ای را برای حل اختلافات خود، آغاز کنند. افزون بر آن، چنین

(۱) دبیر کل در نامه ای که به شورای امنیت فرستاد، از گسترش اختلاف بین ایران و عراق، عمیقاً ابراز نگرانی کرد. به این امر در بخشهای بعدی بیشتر خواهیم پرداخت.
(۲) در واقع، با حمله عراق علیه ایران، یک کشور عضو سازمان ملل متحد مورد تهاجم قرار گرفت، عراق به خاک ایران وارد شد و به کشتار مردم دست زد، اما شورای امنیت در قبال همه این موارد، وظایفی طبق منشور ملل متحد دارد و می توانست در این باره به موادی از منشور اشاره یا استناد کند.
(۳) درباره متجاوز بودن عراق مطابق قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره، منشور ملل متحد، تعریف تجاوز و گزارش دبیر کل بعداً بحث می شود.



درخواستی برخلاف بیانیۀ ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹)، به فوریت تقاضا شده بود.

۱-۴) شورای امنیت در بیانیۀ ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹)، از درخواست ۲۲ ماه سپتامبر (۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹) دبیرکل از ایران و عراق، مبنی بر به خرج دادن خویشتن داری به منظور عدم تشدید منازعه و نیز از پیشنهاد مساعی جمیلۀ وی برای حل اختلافات کنونی بین ایران و عراق، کاملاً پشتیبانی کرد، اما در قطعنامۀ ۶۶۰ هیچ‌گونه سخنی از دبیرکل نبود و نیز هیچ مسئولیتی به وی واگذار نشد. در عوض، به نظر می‌رسد، اتحادیۀ عرب جایگزین دبیرکل شد؛ زیرا، بند ۳ قطعنامۀ ۶۶۰، عراق و کویت را متعهد کرد از تلاشهای اتحادیۀ عرب در مورد حل اختلافاتشان حمایت کنند. ظاهراً، شورا نقش اتحادیۀ عرب را برای حل تهاجم عراق به کویت مؤثرتر از دبیرکل تشخیص داد. این مسئله با

اختلافات موجود پیشنهاد کرد.

۱-۶) بیانیۀ ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹)، ۲۴ ساعت پس از آغاز عملیات نظامی عراق علیه ایران صادر شد، اما قطعنامۀ ۶۶۰، تنها به فاصلۀ کمتر از چهار ساعت بعد از حملۀ عراق به کویت به تصویب رسید. این در حالی است که در تصویب قطعنامۀ ۶۶۰، شورا منتظر دریافت درخواست دبیرکل براساس مادۀ ۹۹ منشور ملل متحد، برای تشکیل جلسه نشد.

۱-۷) در قطعنامۀ ۶۶۰، حملۀ نظامی عراق علیه کویت، با عنوان تهاجم، مورد بررسی قرار گرفت، در حالی که در بیانیۀ ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹)، حملۀ سراسری عراق به ایران، با نام وضعیت، اختلاف،^(۱) برخورد و منازعه بررسی شد. این واژه‌ها، مفهومی کمتر از جنگ و تهاجم دارد. شورای امنیت با اطلاق واژه وضعیت به جنگ ایران و عراق، آن را حالتی دانست که ممکن است به درگیریهای بین‌المللی منجر شود، نه حالتی که در آن، نزاع و درگیری وجود دارد.^(۲) ۱-۸) در پایان قطعنامۀ ۶۶۰، شورا تصمیم گرفت که مجدداً و در هنگام ضرورت، مسئله را به منظور اتخاذ تدابیر لازم، برای اجرای مطمئن قطعنامه، بررسی کند. بدین ترتیب، شورا ضمن اینکه در مقایسه با تهاجم عراق به ایران، به تهاجم عراق علیه کویت، توجه بیشتر و عمیق‌تری نشان داد، ضمانت اجرایی لازم را برای وادار کردن عراق به عقب‌نشینی از کویت فراهم آورد؛ زیرا، در صورت عدم عقب‌نشینی عراق، امکان اتخاذ تدابیر تازه علیه آن کشور وجود داشت. شورای امنیت چنین سازوکاری را برای کنترل جنگی که به ادعای خود شورا، ممکن بود به سوی وخامت بیشتری سوق پیدا کند

قطعنامه ۴۷۹، (اولین قطعنامه شورای امنیت درباره جنگ ایران و عراق)

شش روز پس از آغاز حملۀ عراق علیه ایران صادر شد، در حالی که قطعنامۀ ۶۶۰ تنها

چندساعت بعد از حملۀ عراق به کویت به تصویب رسید

توجه به نقش مؤثر سیاسی اتحادیۀ عرب در دنیای عرب، نشان دهنده مصمم بودن شورا برای پایان دادن به تهاجم عراق علیه کویت بوده است؛ اراده‌ای که در بیانیۀ ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹) دیده نمی‌شود.

۱-۵) در انتهای بیانیۀ ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹)، از دو طرف خواست که اختلافات خود را از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند، چنین پیشنهادی نیز در قطعنامۀ ۶۶۰ ارائه شد، با این تفاوت که در قطعنامۀ ۶۶۰ با درخواست از دو طرف مبنی بر حمایت از تلاشهایی که برای حل اختلافات (به ویژه فعالیتهای اتحادیۀ عرب) صورت می‌گیرد، خلاف بیانیۀ ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹) ساز و کار اجرایی مناسب‌تری برای حل و فصل

(۱) بین وضعیت و اختلاف هم تفاوت وجود دارد، واژه وضعیت از آن نظر به کار می‌رود که بعضی از درگیریها کاملاً ویژگی اختلاف را ندارند، اما ممکن است روی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اثر جدی بگذارد.

اختلافات، با توجه به اختلاف دیرینه دو کشور ایران و عراق جای شگفتی دارد.^{۴۰} شگفت‌انگیزتر آنکه شورا از ایران خواست تا علیرغم حضور نیروهای عراقی در خاکش، با موافقت با آتش بس به مذاکره با عراق پردازد.

(۱-۱۱) در مقدمه قطعنامه ۴۷۹، شورای امنیت به مسئولیت نخستین خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مطابق ماده ۲۴ منشور ملل متحد اشاره کرد، اما به دیگر تبصره‌های ماده مزبور اشاره‌ای نکرد که بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی براساس فصل هفتم (یعنی مواد ۳۹ تا ۵۱)^{۴۱} از طریق اقدام در موارد تهدید علیه صلح یا برهم خوردن صلح یا تحقق تجاوز ناظر است. این در صورتی است، که شورا در قطعنامه ۶۶۰، با استناد به مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد، پس از تشخیص تجاوز، به اقدامات مطرح شده در مواد ۴۰، ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد، که اقدامات غیرنظامی و نظامی را برای رفع تجاوز

(جنگ ایران و عراق)، لازم ندانسته بود.^(۱)

مقایسه قطعنامه ۶۶۰ (مصوب ۲ ماه اوت سال ۱۹۹۰ برابر با ۱۱ مرداد ماه سال ۱۳۶۹) با قطعنامه ۴۷۹ (مصوب ۲۸ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ برابر با ۶ مهر ماه سال ۱۳۵۹) که نخستین قطعنامه، نه اولین موضعگیری شورای امنیت در جنگ ایران و عراق بود، افزون بر تفاوت‌های موجود بین قطعنامه ۶۶۰ با بیانیه ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹)، تفاوت‌های دیگری را نیز نشان می‌دهد.

شورا در قطعنامه ۴۹۷، تنها به توصیه بسنده کرد و هیچ تصمیم و اقدام عملی‌ای انجام نداد، به دیگر سخن، بر خلاف قطعنامه الزام آور ۶۶۰، هیچ‌گونه ضمانتی برای اجرای مفاد قطعنامه ۴۹۷ پیش‌بینی یا پیشنهاد نشد

(۱-۹) قطعنامه ۴۷۹، [اولین قطعنامه شورای امنیت درباره جنگ ایران و عراق] شش روز پس از آغاز حمله و به کارگیری زور از سوی عراق علیه ایران و پنج روز بعد از نخستین موضعگیری شورای امنیت صادر شد، در حالی که قطعنامه ۶۶۰ چند ساعت بعد از حمله عراق به کویت به تصویب رسید، و این مسئله گویای کم توجهی شورای امنیت به جنگ ایران و عراق بود. این بی‌توجهی شورا را می‌توان یکی از علت‌های تداوم جنگ دانست.^{۳۹}

توصیه می‌کند، دست زده است. افزون بر آن، شورا با استناد به ماده ۲۴ منشور ملل متحد، در زمینه تصفیه مسالمت‌آمیز اختلاف مندرج در مواد ۳۳ تا ۳۸^(۲) منشور ملل متحد، بدون توجه به حضور نیروهای عراقی در خاک ایران و ضرورت عقب‌نشینی این نیروها از خاک ایران، از آنها جانبداری کرده است.^{۴۱}

(۱-۱۰) در قطعنامه ۴۷۹، شورا از دو طرف خواست تا به حل اختلاف خود از راه‌های مسالمت‌آمیز مبادرت کنند، تا صلح و امنیت بین‌المللی، عدالت و حقوق بین‌الملل به خطر نیفتد. در حالی که عراق با زیر پا گذاشتن قرارداد فسخ‌ناپذیر ۱۹۷۵ الجزیره و آغاز حمله علیه ایران، موارد مزبور را به خطر انداخته بود،^(۳) درخواست شورا به حل مسالمت‌آمیز

(۱-۱۲) در ماده ۳ قطعنامه ۴۷۹، شورای امنیت از دیگر کشورها خواست که حداکثر خویشتن‌داری را برای جلوگیری از هر

(۱) شورای امنیت به خوبی می‌دانست که بین ایران و عراق، اختلاف متعدد دیرینه وجود دارد؛ بنابراین، برای حل اختلاف جدی و جدیدی که بین دو کشور پدید می‌آید و دامنه و اثر وسیع دارد، اکتفا به بیانیه که جنبه توصیه و نصیحت دارد، کارساز نخواهد بود.

(۲) احترام به تمامیت ارضی کشورها، رعایت قواعد حسن همجواری با کشورهای همسایه، عدم تجاوز به زنان، به اسارت نبردن افراد غیرنظامی و ... از اصول حقوق بین‌الملل است، که در اولین روز جنگ از سوی عراق مورد نقض قرار گرفت.

(۳) فصل هفتم منشور ملل متحد، شامل ۱۲ ماده (از ماده ۳۹ تا ۵۱ منشور) است که اقداماتی که در موارد تهدید علیه صلح یا برهم خوردن صلح و اقدام به تجاوز به عمل خواهد آمد، را پیش‌بینی کرده است.

(۴) ماده ۳۳ تا ۳۸ شامل ۶ ماده (در بردارنده فصل ششم منشور ملل متحد) است و راه‌های تصفیه مسالمت‌آمیز اختلافات را مطرح کرده است.



منافع اعضای دایم شورای امنیت اقتضا می‌کرد، در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به تشویق این کشور بپردازند و در جنگ کویت، آن را تنبیه کنند

تحمیلی، به تشویق و در جنگ کویت، به تنبیه عراق بپردازند، اما این منافع کدام‌اند؟ پیش از پرداختن به این منافع باید ثابت کرد که اعضای دایم شورای امنیت منافی در ادامه جنگ عراق علیه ایران و توقف حمله عراق به کویت داشته‌اند. دلایل زیر در اثبات وجود منافع قدرتهای جهانی در این دو جنگ مفید و مؤثر است.

دلیل نخست اینکه نماینده مکزیک در شورای امنیت در سخنرانی در ۴ مهر ماه سال ۱۳۵۹ در جلسه شورا گفت: «امیدوارم که لزوم فوری جلوگیری از تلفات جانی و خسارات مادی بیشتر دو ملت برادر [ایران و عراق] مقدم بر ملاحظات استراتژیک یا اقتصادی قرار گیرد... در این صورت است که شورای امنیت می‌تواند احترام عمومی نسبت به اصول سازمان ملل متحد، استقلال و تمامیت ارضی کشورها و عدم مداخله در امور داخلی و نیز، تصفیه مسالمت آمیز اختلافات را جلب کند».^{۴۴}

دلیل دوم آنکه نخست‌وزیر وقت فرانسه در تلاش به منظور کسب نظر مساعد مجلس برای شرکت نیروهای مسلح این کشور در حمله علیه عراق گفت: «ما برای یک کشور [کویت] وارد عمل نمی‌شویم، بلکه در راستای منافع فرانسه... حرکت می‌کنیم». وزیر امور خارجه وقت فرانسه، دو هفته پس از شکست کامل عراق در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: «وقتی آمریکا و کشورهای دیگر، به اوضاع بعد از جنگ می‌اندیشند، مهم است که دوازده کشور جامعه اروپا نیز، به سهم خود روی این موضوع فکر کنند».^{۴۵}

دلیل سوم آنکه ترکیه و اسرائیل، از متحدان منطقه‌ای غرب، به دلایل متفاوتی ادامه جنگ عراق علیه ایران را

اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود، به عمل آورند؛ توجهی که در قطعنامه ۶۶۰ صورت نگرفت. به نظر می‌رسد شورا با بی‌توجهی به این مسئله، امکان دخالت کشورهای ذی‌نفع در خلیج فارس را برای حل سریع بحران خلیج فارس، فراهم آورد. واژه دیگر کشورها، این معناراداعی می‌کند که اعضای شورا به یکدیگر اطمینان دادند در جنگ بی‌طرف بمانند (در آغاز جنگ) و از گسترش جنگ خودداری کنند؛ تصمیمی که باتوجه به قدرت برتر نظامی عراق، توانایی نظامی ایران را کاهش داد.^{۴۳}

۱۳-۱) در قطعنامه ۶۶۰، هیچ‌گونه، مأموریتی به دبیرکل برای حل بحران خلیج فارس داده نشد، در حالی که در مواد ۴ و ۵ قطعنامه ۴۹۷ ضمن پشتیبانی از کوششهای دبیرکل و پیشنهاد در مورد مساعی وی، از دبیرکل خواست که ظرف ۴۸ ساعت آینده، شورای امنیت را از نتیجه اقدامات و روند اجرای قطعنامه، آگاه کند. واگذار نکردن مأموریتی به دبیرکل در جریان حمله به کویت و سپردن مسئولیت به وی در قطعنامه ۴۹۷، نشان می‌دهد که شورای امنیت زمان را برای اقدام جدی به منظور پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق مناسب نمی‌دیده است.^{۴۳}

۱۴-۱) شورا در قطعنامه ۴۹۷، تنها به توصیه بسنده کرد و هیچ تصمیم و اقدام عملی ای انجام نداد. به دیگر سخن، بر خلاف قطعنامه الزام آور ۶۶۰، هیچ‌گونه ضمانتی برای اجرای مفاد قطعنامه ۴۹۷ پیش‌بینی یا پیشنهاد نشد.

۱۵-۱) در قطعنامه ۴۹۷ خلاف بیانیه ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹) شورای امنیت، جنگ ایران و عراق را برای صلح و امنیت بین‌المللی خطرناک دانست، موضوعی که نسبت به بیانیه ۲۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ (۱ مهر ماه سال ۱۳۵۹) که در آن، وخیم شدن احتمالی اختلاف را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی دانسته است، یک عقب‌گرد بود، در حالی که در قطعنامه ۶۶۰، حمله عراق به کویت به عنوان تهدیدی خطرناک برای صلح و امنیت بین‌المللی مورد تأیید مجدد قرار گرفت.

جمع‌بندی

با مرور دوباره آنچه پیش از این آمد، وقوع تبعیض و وجود تفاوت در برخورد و استراتژی سازمان ملل متحد در جنگ تحمیلی و جنگ نفت هویداست، اما دلایل این برخورد دوگانه چیست؟ یکی از مهم‌ترین پاسخی که به چرایی دوگانگی مواضع سازمان ملل متحد داده می‌شود، آن است که منافع اعضای دایم شورای امنیت اقتضا می‌کرد، در جنگ



خواستار بودند. به بیان دیگر، با آغاز جنگ تحمیلی، بندرهای جنوبی ایران ناامن شدند؛ از این رو، راه ترانزیت کالا از ترکیه به ایران و عراق اهمیت یافت و بدین ترتیب، این کشور به درآمدهای فراوانی دست یافت. از نظر اسرائیل، ادامه جنگ به تضعیف دو کشور بزرگ اسلامی ایران و عراق می‌انجامید که هریک در فلسطین صاحب نظر و نفوذ بودند.^{۴۶}

به راستی کشورهای اصلی شورای امنیت چه منافع مشترکی داشتند که آنان را به برخورد مشترک و هماهنگ با جنگ تحمیلی و جنگ نفت در منطقه استراتژیک خلیج فارس کشاند؟ برخی از این منافع مشترک قدرتهای بزرگ عبارت اند از:

الف) مقابله با بنیادگرایی

فرانسوا میتران در شهریور ماه سال ۱۳۶۹ بر این عقیده بود که ایران در شدیدترین مرحله بنیادگرایی خود قرار داشت و اگر عراق از نظر نظامی شکست می‌خورد، نیروهای ایران در ارتباط با دنیای عرب و اسرائیل در کجا متوقف می‌شدند؟ باری، همین استدلال در مورد عراق دهه ۹۰ هم صادق بود. اعضای دیگر شورای امنیت نیز، بر این باور بودند که ایران در دهه ۸۰ و عراق در

دهه ۹۰ در شدیدترین مراحل بنیادگرایی قرار داشتند؛ زیرا، به عقیده آنها، در این دوره، ایران در صدد صدور انقلاب اسلامی و عراق نیز در صدد احراز مقام رهبری جهان عرب بود.^{۴۷}

ب) دستیابی و حفظ بازار مصرف

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به علت جمعیت فراوان، درآمد سرانه بالا، ناتوانی صنعتی و مصرف زیاد، بازار مناسبی را برای جذب محصولات و مصنوعات پنج عضو دائم شورای امنیت فراهم آورده اند؛ از این رو، اعضای دائم شورا، حاضر نیستند این بازار گسترده را فدای ایده‌های استقلال طلبانه و صنعتی ایران و عراق کنند یا اینکه اجازه دهند که این کشورها با توجه به زمینه‌های اقتصادی و صنعتی قوی‌تر از دیگر کشورهای منطقه، بازار اطراف خود را اشباع یا بخش مهمی از نیاز آنها را تأمین کنند. به بیان دیگر، اگر ایران و عراق را به آغاز جنگ و ادامه آن، وادار نمی‌کردند، ممکن بود این دو کشور به توسعه صنعتی دست یابند و بازار منطقه را از چنگ آنان در آورند.^{۴۸}

ج) نیاز به نفت و گاز

کشورهای عضو دائم شورای امنیت یا از صادر کنندگان نفت و گازند یا به اندازه مصرف داخلی، از منابع گازی و نفتی برخوردارند، اما بیشتر این کشورها، از ذخیره و گاز در خور توجهی بهره‌مند نبودند و در آینده، به نفت و گاز منطقه خلیج فارس نیاز فراوان دارند بدین دلیل، نفوذ در منطقه می‌تواند زمینه بهره‌برداری بیشتری را برای هریک از این کشورها فراهم آورد یا اینکه هریک از آنها را در تحت فشار قرار دادن دیگر کشورها یاری کند؛ بنابراین، کشورهای عضو دائم شورای امنیت، نمی‌توانند و مایل نیستند به دو کشور ایران در دهه ۸۰ و عراق در دهه ۹۰ اجازه دهند، آن چنان قدرت بگیرند که بر جریان صدور آسان نفت و گاز به کشورهای دارای حق و تو تأثیر منفی بگذارند، در این صورت، آنان توانایی حفظ قدرت مندی خود را در سطح جهان نخواهند داشت.^{۴۹}



پادداشته‌ها

۱. دیدگاه‌های جهانی جمهوری اسلامی ایران؛ مجموعه سخنرانی‌های وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی، سخنرانی در اجلاس سی و نهم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مهر ماه ۱۳۶۳، تهران؛ سازمان انتشارات و وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۹۱.
۲. همان؛ سخنرانی اجلاس سی و هشتم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مهر ماه ۱۳۶۲، ص ۳۷.
۳. این اختلاف با توجه به اختلاف دیرینه مرزی ایران و عراق قابل دقت است. رک به: منوچهر پارسادوست؛ زمینه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق؛ تهران؛ شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴، صص ۵۷، ۳۷ و ۱۶.
۴. علی آهنی؛ فرانسه و مجامع بین‌المللی در برابر بحران خلیج فارس؛ تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲، ص ۱۱.
۵. خالد حسین النقیب؛ حزب بعث و جنگ؛ ترجمه محمد حسین زوارکعبه، ج ۲، تهران؛ حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، صص ۱۱-۱۴.
۶. جک بارنز؛ شلیک اولین توپ‌های جنگ جهانی سوم؛ علل تهاجم و اشننگتن علیه عراق؛ ترجمه شهره ایزدی، تهران؛ مترجم، ۱۳۷۳، صص ۱۰۹-۱۱۱.
۷. در حالی که شورای امنیت هنگامی تشخیص دهد که تهدیدی علیه صلح واقع شده یا صلح در حال تهدید است و به منظور اینکه اوضاع وخیم تر نشود، از نیروهای حافظ صلح استفاده می‌کند. رک به: سازمان ملل متحد؛ نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، کلاه آبیها؛ ترجمه علی میرسعید قاضی، تهران؛ اداره انتشارات اطلاعات همگانی سازمان ملل متحد، ۱۳۷۳، ص ۲۰.
۸. نسرين مصفا و دیگران؛ تجاوز عراق به ایران و موضع‌گیری سازمان ملل متحد؛ تهران؛ انتشارات مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۶۵، صص ۱۰۵-۱۱۰.
۹. سپاه پاسداران؛ گذر از بحران ۶۷؛ تحلیل سیاسی هشتمین سال جنگ؛ تهران؛ دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۶۰.
۱۰. عباس هدایتی خمینی؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران؛ تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، صص ۲۹۱-۳۰۲.
۱۱. علی میر سعید قاضی، زندگینامه دبیر کل‌های سازمان ملل متحد و فعالیت‌های سیاسی آنان؛ تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴، صص ۳۷۳ و ۳۵۷ و ۳۲۰.
۱۲. دیدگاه‌های جهانی جمهوری اسلامی ایران؛ پیشین؛ سخنرانی وزیر امور خارجه در اجلاس چهل و سومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد (مهر ۱۳۶۷) ص ۳۱۰.
۱۳. منوچهر پارسادوست؛ نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران؛ تهران؛ شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰، ص ۶۷۴.
۱۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۹/۱۰/۱۵.
۱۵. گذر از بحران ۶۷؛ تحلیل سیاسی هشتمین سال جنگ؛ پیشین؛ ص ۶۱.
۱۶. روزنامه اطلاعات؛ ۲۳ مرداد و ۲۶ مهر ۱۳۶۹.
۱۷. همان؛ ۱۳۶۹/۵/۱۷.
۱۸. همان؛ ۱۳۶۹/۵/۲۳؛ ص آخر.
۱۹. همان؛ ۱۳۶۹/۱۱/۸.
۲۰. همان؛ ۱۳۶۹/۶/۱۱.
۲۱. روزنامه کیهان؛ ۱۳۶۹/۶/۱۵.
۲۲. رک به: مواضع رسمی جامعه اقتصادی اروپا در صفحات ۲۸۵ الی ۳۱۰ کتاب فرانسه و مجامع بین‌المللی در برابر بحران خلیج فارس درج شده است و نیز پیام دبیر کل به فرانسه در صفحه ۳۴۳ همان کتاب آمده است.
۲۳. همان.
۲۴. پارسادوست؛ پیشین؛ صص ۶۷۳-۶۷۶.
۲۵. خطبه‌های هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران رک به: روزنامه کیهان؛ ۱۳۶۶/۶/۲۱، ص ۲.
۲۶. متن کامل قطعه‌نامه ۲۲ اکتبر ۱۹۸۲ (۳۰ مهر ۱۳۶۱) در صفحه ۲۳۲ الی ۲۳۴ کتاب شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران از

- عباس هدایتی خمینی درج شده است.
۲۷. روزنامه اطلاعات، ۳ و ۱۴/۱۳۶۹/۷.
۲۸. مصفا و دیگران؛ پیشین؛ صص ۱۲۸-۱۳۱.
۲۹. همان؛ ص ۱۲۵.
۳۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۹/۸/۱۷.
۳۱. آهنی؛ پیشین؛ صص ۷۰-۷۴.
۳۲. پارسادوست؛ پیشین؛ ص ۲۱.
۳۳. آهنی؛ پیشین؛ ص ۲۲۵.
۳۴. تفاوت‌های دقیق تر قطعه‌نامه و بیانه در صفحه ۷۰-۷۱ کتاب شورای امنیت جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران از عباس هدایتی خمینی درج شده است.
۳۵. متن بیانه ۲۳ سپتامبر. رک به: پارسادوست؛ پیشین؛ ص ۱۷.
۳۶. سپاه پاسداران؛ گذری بر دو سال جنگ؛ تهران؛ دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۲۶۷.
۳۷. حسن النقیب؛ پیشین؛ ص ۱۱.
۳۸. تفاوت وضعیت و اختلاف، رک به: مصفا و دیگران؛ پیشین؛ ص ۹۶.
۳۹. برایان اوکهارت؛ زندگی در جنگ و صلح؛ ترجمه حسن مشهدی، تهران؛ انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹، صص ۳۹۶-۳۹۷.
۴۰. پارسادوست؛ پیشین؛ ص ۱۶.
۴۱. کورت والد‌هایم؛ کاخ شیشه‌ای سیاست؛ ترجمه عبدالرحمن صدریه، تهران؛ انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۶، ص ۲۵۱-۲۵۸.
۴۲. ارزیابی توان شورای امنیت در حل بحران‌های جهان، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۶ و ۲۷/۹/۱۳۶۷.
۴۳. اکبر هاشمی رفسنجانی؛ انقلاب و دفاع مقدس، تهران؛ انتشارات ۱۵ خرداد، ۱۳۶۷، ص ۲۰۱.
۴۴. منوچهر پارسادوست؛ پیشین؛ ص ۴۲.
۴۵. علی آهنی؛ پیشین؛ ص ۱۱۸.
۴۶. همان؛ ص ۱۳۸.
۴۷. مهدی نوربخش؛ ماوراء حمله صدام حسین به کویت؛ ترجمه جمشید زنگنه؛ مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس؛ تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲، ص ۲۹۲.
۴۸. محمدرضا حافظ‌نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز؛ تهران؛ سمت، ۱۳۷۱، ص ۱۵۷.
۴۹. فیلیپ رابینز؛ کشورهای جامعه اروپا و خلیج فارس؛ ترجمه جمشید زنگنه؛ مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲، ص ۲۳۳.